

طراحی و تدوین مدل بازآفرینی کسب و کارهای کوچک پس از بحران زلزله کرمانشاه

Email: Pazhouhan@yahoo.com

ایوب پژوهان*: استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

چکیده

پژوهش کیفی حاضر با هدف طراحی و تدوین مدل بازآفرینی کسب و کارهای کوچک پس از بحران زلزله آبان ماه سال ۱۳۹۶ کرمانشاه، با استفاده از نظریه داده‌بنیاد و رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین انجام گرفت. به این منظور، به کمک نمونه‌گیری نظری و با بهره‌مندی از تکنیک‌های قضاوتی و گلوله‌برفی با ۵۶ نفر از مالکان کسب و کارهای مختلف آسیب‌دیده و تخریب شده شهری و روستایی و مسئولان دولتی مصاحبه عمیق نیمه‌ساختارمند انجام شد. حجم نمونه وابسته به اشباع نظری داده‌ها بود. به‌منظور سنجش روایی و رعایت ویژگی‌های کیفی پژوهش، اعتباربخشی، صحت و استحکام داده‌ها از معیارهای چهارگانه لینکلن و گوبا نظیر قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال‌پذیری و تناسب، قابلیت اطمینان و ثبات و قابلیت تصدیق استفاده شده است. پایایی پژوهش هم با استفاده از فرمول پایایی هولستی محاسبه و ۸۲ درصد به دست آمد. نتایج تحلیل محتوای داده‌ها طی ۳ رویه کدگذاری باز، محوری و انتخابی به شناسایی ۵۵۵ گد، ۳۳۲ مفهوم و ۵۸ مقوله منتج شد. در نهایت مدل پارادایمی بازآفرینی کسب و کارهای کوچک ارائه شد که در آن «بازآفرینی کسب و کارهای کوچک پس از بحران» به‌عنوان پدیده محوری متأثر از عوامل علی پژوهش انتخاب شد. عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر به همراه پدیده محوری راهبردهای بازآفرینی را شکل دادند و پیامدهایی همچون پیامدهای اقتصادی، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی، پیامدهای سیاسی و اداری شناسایی شدند. بر اساس یافته‌های پژوهش تقدّم و یا هم‌زمانی بازآفرینی کسب و کارهای کوچک با سایر ابعاد بازسازی می‌تواند زمینه را برای استمرار معاش و کسب درآمد به‌دست بازماندگان از سانحه فراهم کرده و سبب تسریع در فرآیند بازسازی کالبدی و سایر ابعاد بازسازی شود.

واژگان کلیدی: مدیریت بحران، مدل بازآفرینی، کسب و کارهای کوچک مدیریت استمرار کسب و کار، زلزله کرمانشاه

Designing and Arranging a Small Businesses Recovery Model after the Kermanshah Earthquake Crisis

Ayoub Pazhouhan*^۱

Abstract

The present qualitative research was designed with the aim for arranging a model for Post-Crisis Small Businesses Recovery after the Kermanshah earthquake in ۲۰۱۷, using the grounded theory and a systematic approach of Strauss and Corbin. For this purpose, semi-structured interviews were conducted with help of theoretical sampling and snowball methods with ۵۶ Owners of various damaged and destroyed urban and rural businesses and government officials. The sample size was dependent on the theoretical saturation of the data. In order to assess the validity and quality characteristics of the research, accreditation, accuracy and robustness of the data, the four criteria of Lincoln and Guba such as Credibility, Transferability and Fittingness, Dependability and Conformability have been used. The reliability of the study was calculated using Holstie's reliability formula and ۸۲٪ was obtained. The results of data content analysis, through three open, axial and selective coding procedures, resulted in the identification of ۵۵۵ codes, ۳۳۲ concepts, and ۵۸ categories. Finally, a paradigm model of small business Recovery was presented in which «Post-Crisis Small Businesses Recovery» was selected as the pivot phenomenon influenced by the causal factors of research. Grounded and interventional Factors, along with the pivotal phenomenon, formed the strategies, and the consequences were identified such as economic consequences, social and cultural consequences, political and administrative consequences. According to the research findings, the Priority or simultaneous Recovery of small businesses with other dimensions of reconstruction, can provide the basis for livelihood and income for the survivors of the accident and accelerate the process of physical reconstruction and other aspects of reconstruction.

Keywords: Crisis Management, Recovery Model, Small Businesses, Business Continuity Management, Kermanshah Earthquake.

۹۲

ویژه نامه دوم
بدافند غیر عامل

دوفصلنامه
علمی و پژوهشی

بهرین

از بحران زلزله کرمانشاه - ایوب پژوهان
طراحی و تدوین مدل بازآفرینی کسب و کارهای کوچک پس

^۱. Assistant Professor, Department of Public Administration, Payame Noor University.

سوانح طبیعی از جمله زلزله همواره بر زندگی بشر تأثیرگذار بوده و پیامدهای نامطلوب ناشی از آن نه تنها جوامع انسانی بلکه فعالیتهای اقتصادی و کسب و کار جامعه را هم با مشکل مواجه کرده است. از این رو، متعاقب رخداد زلزله و تأثیرپذیری اقتصاد تداوم معیشت و خدمات شهری دچار وقفه می‌شود. در این میان بازتوانی معیشت از الزامات تداوم حیات در جامعه آسیب‌دیده است؛ زیرا بازآفرینی کسب و کارهای کوچک جامعه را پویا و خدمات رسانی را در آن تسهیل می‌کند [۱]. بنابراین پس از یک بحران طبیعی تصمیمات مربوط به بازآفرینی و بقای کسب و کارها برای بازیابی جامعه آسیب‌دیده حائز اهمیت است [۲، ۳، ۴، ۵]؛ چرا که کسب و کارها به‌عنوان یکی از عناصر اصلی جامعه در برابر بلایای طبیعی آسیب‌پذیر هستند و معمولاً در چنین حوادثی خسارت‌های بزرگی را متحمل می‌شوند [۶]. از سوی دیگر، بقای کسب و کارها نقش اساسی در بهبودی طولانی مدت جامعه آسیب‌دیده دارد. پس از بحران کسب و کارهای فعال بر تصمیمات ماندگاری اهالی در منطقه بحران زده تأثیر می‌گذارد. افزون بر این تداوم فعالیت برخی کسب و کارها بر احتمال بازآفرینی سایر کسب و کارها تأثیرگذار است [۵]. هنگامی که کسب و کارها در اثر یک بحران طبیعی دچار آسیب و خسارت می‌شوند، بازیابی سایر مؤلفه‌های اجتماعی، مانند خانوار، اقتصاد و زیرساخت‌ها هم تحت تأثیر قرار می‌گیرند [۷، ۵]. این امر به این دلیل است که احیای خانوارها و زیرساخت‌ها به کالاها و خدمات ارائه شده توسط کسب و کارها نیاز دارد [۸] و رشد مجدد اقتصادی به میزان تولید و مالیات‌های حاصل از فعالیت‌های کسب و کارها بستگی دارد [۹]. بنابراین تداوم فعالیت کسب و کارها برای توسعه پایدار اقتصاد پس از فاجعه از اهمیت زیادی برخوردار است [۱۰، ۱۱] و اطمینان از اینکه کسب و کارها قادر به بازآفرینی پس از فاجعه هستند، ضروری است. افزون بر این زمان بازآفرینی کسب و کارها بسیار مهم است؛ زیرا وقفه در بازآفرینی کسب و کار عامل مهمی در بقای کسب و کارها و جوامع پس از فاجعه است و می‌تواند خسارت‌های بزرگی را در چنین حوادثی به بار آورد [۱۲].

با این تفاسیر کشور ایران با دارا بودن ۳۲ مورد از ۴۳ مورد مخاطرات طبیعی ثبت شده، یکی از آسیب‌پذیرترین کشورهای جهان است [۱۳] و به لحاظ جغرافیایی جزو ۱۰ کشور حادثه‌خیز و آسیب‌پذیر از بلایای طبیعی جهان به‌شمار می‌رود [۱۴]. موقعیت جغرافیایی کشور ایران علی‌رغم بهره‌مندی از منابع و ثروت‌های طبیعی و زیرزمینی به‌علت قرارگیری در مسیر کوه‌زایی آلپ-هیمالیا در معرض یکی از مخرب‌ترین و غیرقابل پیش‌بینی‌ترین پدیده‌های طبیعی یعنی زلزله قرار گرفته است [۱۵]. در این راستا آمارهای

رسمی نشان می‌دهد، اغلب مناطق استان کرمانشاه از نظر زلزله‌خیزی فعال بوده و هر چند سال یک بار زلزله‌های مخرب بخش‌های وسیعی از این استان را تخریب کرده و خسارت‌های جانی و مالی فراوانی به بار آورده است. آخرین گواهِ بر این ادعا زلزله ساعت ۲۱ و ۴۸ دقیقه روز یک‌شنبه مورخ ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۶ با قدرت ۷/۳ ریشتر در ۱۱ کیلومتری بخش ازگله واقع در غرب استان کرمانشاه (در ناحیه مرزی ایران و عراق) و ۳۷ کیلومتری شمال غرب شهرستان سرپل‌ذهاب؛ و زلزله مورخ ۴ شهریورماه ۱۳۹۷ با قدرت ۶/۴ ریشتر در شهر تازه‌آباد است که موجب خسارت‌های مالی و تلفات جانی قابل توجهی در نواحی روستایی و شهری و به‌ویژه در شهرستان سرپل‌ذهاب شد [۱۶]. زلزله ازگله جان ۶۲۰ تن را گرفت که ۵۱۸ نفر از آنها مربوط به شهرستان سرپل‌ذهاب بوده است و بیش از ۱۰ هزار نفر را مصدوم و مجروح کرد و ده‌ها هزار نفر بی‌سرپناه بر جای گذاشت [۱۷]. این زلزله به ۷ شهرستان و بیش از ۲ هزار روستای استان کرمانشاه خسارت وارد کرد [۱۶]. یکی از خسارت‌هایی که بعد از وقوع زلزله‌های اخیر رخ داد، آسیب‌ها و خسارت‌هایی بود که بر معیشت و کسب و کارهای شهری و روستایی اهالی مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه و به‌ویژه شهرستان سرپل‌ذهاب و روستاهای اطراف آن وارد کرد و موجب وقفه و اختلال در کسب و کارهای اهالی این مناطق شده و به افراد زلزله‌زده به مراتب بیش از پیش به دلیل نبودن کسب و کارها فشار وارد شد. بر این اساس، عدم بازآفرینی سریع کسب و کارها و ترجیح سایر ابعاد بازسازی پس از زلزله (از جمله بازسازی فیزیکی، کالبدی، فضایی، اجتماعی، روحی و روانی) بر بازآفرینی کسب و کارها از دلایل انتخاب موضوع پژوهش حاضر است؛ چرا که بیشتر پژوهش‌های علمی معطوف به بازسازی پس از زلزله توجه خود را به سایر ابعاد بازسازی معطوف داشته و جای پژوهش‌های مربوط به سرنوشت کسب و کارهای آسیب‌دیده و تخریب‌شده با رویکرد بازآفرینی خالی است. این در حالی است که بازآفرینی کسب و کارها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بعد از زلزله بخش بزرگی از آسیب‌ها مرتبط با عدم بازآفرینی کسب و کارهاست. به همین علت، عدم توجه به مسائل اقتصادی، اشتغال و کسب و کار سانه‌دیدگان خود منجر به بروز و ظهور بحران‌ها و زیان‌های دیگری خواهد شد. در نتیجه باید توجه جدی به بازآفرینی کسب و کارهای پس از بحران زلزله شود. علاوه بر این، اکثر شواهد بر تأثیرات بلایای طبیعی بر روی کسب و کارها به‌طور کلی و به‌ویژه کسب و کارهای کوچک از مطالعات انجام‌شده در سال‌های اخیر در کشورهای توسعه‌یافته به‌ویژه مطالعات انجام‌شده در ایالات متحده آمریکا حاصل می‌شود و شواهد کمی در مورد این مسائل در کشورهای در حال توسعه وجود دارد [۱۸] و بازآفرینی کسب و کارها کمتر توجه مسئولان و برنامه‌ریزان را جلب می‌کند.

بنابراین به دلیل نیاز گسترده اجتماعات آسیب دیده به مسکن، بیشتر منابع بازآفرینی مسکن را مطالعه کرده و به بازآفرینی واحدهای کسب و کار کمتر توجه شده است [۱۹]. شایان ذکر است با عنایت به سانحه خیز بودن کشور ایران و وقوع بلایای طبیعی فراوان از قبیل زلزله و سیل در کشور و به رغم اهمیت فراوان بازآفرینی کسب و کارهای پس از بحران متأسفانه در این زمینه در سطح داخلی مطالعات بسیار اندکی صورت گرفته و به نظر می رسد تا به حال مطالعه ای جامع و نظام مند درباره بازآفرینی کسب و کارهای پس از بحران زلزله و سایر بحران های طبیعی انجام نشده و خلأ پژوهش ها و مطالعات پیرامون بازآفرینی کسب و کارهای پس از بحران زلزله و سایر بحران های طبیعی به شدت احساس می شود. بنابراین این مطالعه تلاش دارد تا این شکاف و خلأ را تا حدودی پر کند. با عنایت به مطالب گفته شده، هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر «ارائه و تدوین مدل بازآفرینی کسب و کارهای کوچک آسیب دیده و تخریب شده پس از بحران زلزله سال ۱۳۹۶ استان کرمانشاه» است. بر این اساس، پرسش پژوهش این گونه مطرح می شود که: «مدل بازآفرینی کسب و کارهای کوچک پس از بحران چگونه مدلی است و از چه مؤلفه ها و ابعادی تشکیل شده است؟».

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بازآفرینی کسب و کارهای آسیب دیده از بلایای طبیعی یک حوزه مطالعاتی مورد علاقه و در حال رشد است که شامل توسعه اقدامات جدید تاب آوری برای بازآفرینی کسب و کارها می شود [۲۰]. پس از وقوع یک فاجعه طبیعی ممکن است کسب و کارها دچار خسارت و آسیب شده، وقفه و اختلال در روند فعالیت آنها شده و به مراتب به افراد زلزله زده بیش از پیش به دلیل نبودن کسب و کارها فشار وارد شود [۲۱، ۲۲، ۲۳]. تجارب ایران به عنوان یکی از کشورهای مستعد وقوع بلایای طبیعی حاکی از این است که پس از وقوع بلایای طبیعی یکی از مهمترین چالش ها بازآفرینی و تداوم فعالیت کسب و کارهاست. در این راستا بازآفرینی کسب و کارهای کوچک با چندین چالش مواجه است و به نظر می رسد با توجه به عدم برنامه ریزی و مدیریت تداوم کسب و کار اختلال در فعالیت کسب و کارهای کوچک می تواند باعث ایجاد مشکلاتی برای جامعه آسیب دیده شود [۲۴]. مشکلاتی از قبیل از دست رفتن نظام کسب و کار، از دست دادن مشتریان، مشکلات در تأمین مواد اولیه و وقفه در ارائه محصولات و خدمات از جمله مواردی هستند که بعد از زلزله گریبان گیر کسب و کارها خواهند شد [۲۱، ۲۲، ۲۳]. از سوی دیگر، مطالعه و بررسی بیشتر در مورد چگونگی تداوم فعالیت کسب و کارهای کوچک پس از بحران های طبیعی بسیار مهم است [۲۵]؛ چرا که کسب و کارهای کوچک بازار، شغل و خدمات را برای شهروندان فراهم می کنند. بنابراین بررسی تأثیر بحران های طبیعی بر روی شیوه بازآفرینی و تداوم فعالیت کسب و کارها و پیشبرد برنامه ریزی برای حمایت از کسب و کارهای آسیب دیده، در قبل، حین و پس از وقوع بحران های طبیعی امری اجتناب ناپذیر است. در این رابطه تاب آوری کسب و کارهای کوچک پس از

وقوع بلایای طبیعی به ویژه در مقیاس محلی ضرورتی انکارناپذیر است. به نظر می رسد برای حفظ موقعیت خود در بازار کسب و کارهای کوچک باید قادر به واکنش سریع به شرایط پس از وقوع بحران باشند. در این باره مدیریت تداوم کسب و کار لازم است تا تاب آوری کسب و کارهای کوچک را تقویت کرده و کسب و کارها را در شرایط بحرانی همچنان فعال نگه دارد [۲۴]. با توجه به آسیب هایی که پس از وقوع بحران به کسب و کارها وارد می شود، تعطیلی برخی بنگاه ها و کسب و کارها نه تنها دور از انتظار نیست، بلکه اجتناب ناپذیر است [۲۲]. پس از وقوع بحران میزان آسیب به کسب و کارها توسط عواملی از قبیل میزان آسیب به زیرساخت ها، توانایی استفاده از منابع پس از بحران و توانایی حضور کارکنان در محل کار تعیین می شود [۲۶، ۲۷، ۲۸]. در این راستا مطالعات پیشین عمدتاً بر اهمیت و اجرای برنامه ریزی استمرار کسب و کار قبل از بحران های طبیعی [۲۵، ۲۸] و همچنین عوامل اصلی مؤثر بر بازآفرینی کسب و کارهای پس از فاجعه طبیعی را بررسی کرده اند. به عنوان مثال، ژائو و پیکوک (۲۰۱۴) ۷ ماه پس از وقوع طوفان سهمگین ایکه با انجام نظرسنجی از مالکان کسب و کارهای آسیب دیده شهرستان گالستون در تگزاس، تأثیر آمادگی پیش از وقوع فاجعه را در بازآفرینی کسب و کارها بررسی کردند. آنها دریافتند که اقداماتی نظیر برنامه ریزی و آمادگی در برابر سوانح طبیعی نقش مهمی در تقلیل آسیب های ناشی از فاجعه به یک کسب و کار دارند [۸]. وب و همکاران (۲۰۰۲) هم پس از وقوع زلزله لومپرتا در سانتاکروز کالیفرنیا و طوفان اندرو در ایالت جنوبی فلوریدا با استفاده از تحلیلی مقایسه ای تأثیر عوامل مختلفی را در بازآفرینی بلندمدت کسب و کارها بررسی کردند. آنها دریافتند که وضعیت مالی مالک کسب و کار و فضای حاکم بر کسب و کار مهمترین عوامل مرتبط با بازآفرینی بلند مدت کسب و کارها پس از هر ۲ فاجعه بوده است [۴]. افزون بر این، پس از وقوع طوفان کاترینا، دیتچ و کوری (۲۰۱۱) چندین متغیر جمعیت شناختی و متغیرهای سطح کلان را به عنوان پیش بینی کننده های مهم تداوم فعالیت بلندمدت کسب و کارها شناسایی کردند [۲۹]. همچنین مطالعه دیگری گزارش داد که وضعیت عملیاتی کسب و کارهای آسیب دیده پس از طوفان کاترینا تحت تأثیر عواملی از قبیل ویژگی های مالکان کسب و کار و ویژگی های خود کسب و کار بوده است [۳۰]. ناکاتانی و همکاران (۲۰۱۶) هم پس از وقوع زلزله سال ۲۰۱۱ در شرق ژاپن پرسش نامه ای را برای ۵۴۷ مالک کسب و کار خصوصی ارسال کردند تا بتوانند برخی از عوامل اصلی مرتبط با تداوم فعالیت کسب و کارها را کاوش کنند. آنها دریافتند که قابلیت های عملیاتی روزانه و اقدامات پیشگیرانه قبل از وقوع فاجعه نقش مهمی در تداوم فعالیت کسب و کارهای پس از زلزله ایفا می کنند [۳۱]. با این حال بازآفرینی کسب و کارهای آسیب دیده از بلایای طبیعی یک فرآیند است، نه یک رویداد [۳۲]. از این رو، مطالعه در مورد عملکرد کسب و کارهای پس از وقوع یک فاجعه ممکن است به درک بهتر فرآیند بازآفرینی کسب و کارها کمک کند [۲۵].

مطالعات مختلف در مورد تداوم فعالیت کسب و کارهای کوچک پس از بلایای طبیعی حکایت از این دارند که پس از وقوع بحران‌های طبیعی از جمله زلزله کسب و کارهای کوچک بیشتر آسیب‌پذیر هستند و با مشکلات متعددی مواجه می‌شوند [۴،۲۱،۲۲،۲۶،۳۳،۳۴،۳۵،۳۶،۳۷]؛ زیرا کسب و کارهای کوچک منابع محدود و همچنین توانایی اندکی در انجام «برنامه‌ریزی تداوم کسب و کار» قبل از وقوع بحران دارند. بنابراین باید راهکارهای بازآفرینی پس از فاجعه را بیابند [۲۵]. بر اساس تحقیقات شورای رسیدگی به مؤسسه مالی فدرال (FFIIEC) پس از وقوع یک بحران طبیعی حداقل یک کسب و کار از ۴ کسب و کار هرگز دوباره فعالیت آنها از سر گرفته نمی‌شود. آسیب‌پذیری کسب و کارهای کوچک می‌تواند به دلایل ذیل رخ دهد: کمبود سرمایه و عدم دسترسی به کمک‌های مالی، فوت سرمایه‌های انسانی و محدودیت در جانشینی برای آنها، تحت پوشش بیمه نبودن کسب و کار، مشکل بازگرداندن موجودی‌های آسیب‌دیده، مشکلات مرتبط با بازسازی املاک، مشکلات مربوط به جستجوی گزینه‌ای مناسب و مکان کاری موقت برای ازسرگیری فعالیت، منابع و ظرفیت محدود جهت تداوم فعالیت کسب و کار برای چند هفته پس از سانحه، کاهش مشتریان، محدودیت یا عدم دسترسی به آب، فاضلاب، ارتباطات و...، کمبود دانش جهت راه‌اندازی مجدد کسب و کار [۱]. در این راستا، ژانگ و همکاران (۲۰۰۹) اظهار می‌دارند، کسب و کارهای بزرگ می‌توانند با ایجاد امکانات مقاوم در برابر فاجعه و پیشگیری‌های مختلف وضعیت و روابط ورودی-خروجی خود را بهبود ببخشند. ولی کسب و کارهای کوچک این ویژگی را ندارند و ممکن است هفته‌ها و یا گاهی اوقات ماه‌ها پس از بحران با اختلال مواجه شوند؛ قبل از آنکه به وضعیت عادی برسند [۳۷]. بر اساس اظهار فیما (آژانس مدیریت شرایط اضطراری فدرال) پس از یک فاجعه طبیعی ۴۰ درصد از کسب و کارهای کوچک فعالیت نمی‌کنند. بسیاری از کسب و کارها به سادگی نمی‌توانند هزینه‌هایی را که از دست داده‌اند، جبران کنند و این امر باعث می‌شود که فعالیت نکنند [۳۸]. از سوی دیگر عواملی که در بازآفرینی کسب و کارها تأثیر می‌گذارند، عبارتند از: (۱) تأثیرات فیزیکی مستقیم مانند آسیب به اموال، دارایی‌ها و اختلال در روند زندگی؛ (۲) ویژگی‌های کسب و کار و مالک کسب و کار (حوزه فعالیت کسب و کار، اندازه کسب و کار، سن مالک کسب و کار، شرایط مالی

و مشخصات جمعیت‌شناختی مالکان کسب و کار)؛ و (۳) جنبه‌های مختلف تأثیرپذیری جامعه [۳۹]. بنابراین پس از وقوع بحرانی طبیعی انتظار می‌رود کسب و کارها با توجه به ماهیت کسب و کار خود و با استفاده از استراتژی‌های انطباقی قادر به راه‌اندازی و بازآفرینی مجدد خود در مکان‌های مختلف باشند. نظر به اهمیت موضوع تأثیرات بلایای طبیعی بر روی نهادهای کسب و کار طی ۲ دهه اخیر مورد بحث قرار گرفته [۴۰] و بیشتر بر مواردی از قبیل آسیب‌پذیری کسب و کارها [۲۲،۲۶،۳۳،۳۷،۴۱]؛ آمادگی کسب و کارها برای فعالیت در شرایط اضطراری [۴۲،۴۳،۴۴] و وسعت آسیب [۴۵،۴۶،۴۷] تمرکز داشته است. با این وجود به‌رغم اهمیت موضوع، توجه و علاقه محققان علوم اجتماعی به موضوع اثرات بلندمدت بلایای طبیعی و عوامل مؤثر بر توانایی بازبازی پس از فاجعه [۲۱] از یک‌سو و گسترش روزافزون ادبیات مربوط به اهمیت حیاتی بازآفرینی کسب و کارهای پس از بلایای طبیعی، از سوی دیگر مطالعات اندکی در مورد عملیات پایداری کسب و کارهای پس از بلایای طبیعی وجود دارد [۴۸،۴۹] و تاکنون پژوهش‌های اندکی بازآفرینی کسب و کارهای پس از زلزله را به‌طور ویژه مورد مطالعه قرار داده‌اند [۱۲]. افزون بر این، در حالی که مطالعات زیادی در مورد تأثیر بلایای طبیعی روی دارایی‌ها، اموال، زندگی، جوامع و محیط زیست وجود دارد، اما در مورد کسب و کارها و چالش‌های کارآفرینانه ناشناخته است و راهبرد‌های بازآفرینی کسب و کارهای پس از بحران مورد توجه قرار نگرفته است [۵،۵۱،۵۰،۳۷،۳۵،۲۹،۲۰،۲۱،۱۸،۴،۵،۳]. بنابراین در زمینه فرآیند و نتایج مرتبط با بازآفرینی کسب و کارهای پس از بحران‌های طبیعی پژوهش‌های نظام‌مند و نسبتاً اندکی صورت گرفته است؛ به‌طوری که غالب پژوهش‌ها در مورد اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت بلایای طبیعی بر روی خانواده‌ها [۲۱،۵۴،۵۵،۵۶] و پیامدهای اقتصادی بازآفرینی کسب و کارها در سطح کلان مانند نرخ اشتغال [۶۱،۶۰،۵۹،۵۸،۵۷] متمرکز بوده است. مطالعات قبلی هم از بررسی عوامل اصلی مؤثر بر تداوم فعالیت کسب و کارهای پس از بحران غفلت کرده‌اند [۲۵]. برخی دیگر از مطالعات کوشش کرده‌اند تا ارزیابی وقوع بحران‌ها را برای اقتصاد محلی، منطقه‌ای و ملی داشته باشند [۶۸،۶۷،۶۶،۶۵،۶۴،۶۳،۶۲]. در ادامه نتایج مهم‌ترین پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. خلاصه نتایج پژوهش‌های انجام‌شده داخلی و خارجی مرتبط

پژوهشگر (سال)	عنوان پژوهش	خلاصه نتیجه پژوهش
ارژنگی (۱۳۹۰)	بررسی روند بازسازی کسب‌وکارهای کوچک پس از زلزله بم	بازتوانی و بازسازی واحدهای تجاری با رویکرد کالبدی صرف به -تنهایی قادر نیست معیشت کسبه را بازتوانی کند. از سوی دیگر، در شرایط کنونی ایران سازوکار مناسبی جهت توانمند سازی و بازسازی واحدهای تجاری پس از سوانح وجود ندارد. از این‌رو، به نظر می‌رسد جبران شکاف‌های موجود در برنامه استقرار موقت و دائم واحدهای تجاری مستلزم نگاهی تلفیقی است. بنابراین ممزوج گشتن برنامه تداوم کسب‌وکار با برنامه بازسازی قادر است، تمرکز بازسازی واحدهای تجاری را از رویکرد کالبدی صرف به احیای معیشت همراه با بازسازی کالبدی سوق دهد و معیشت مختل‌شده سریع‌تر بازتوانی شود [۱].
بینش و امیدوار (۱۳۹۴)	بازتوانی اقتصادی پس از سانحه	بازسازی کالبدی بر بازتوانی اقتصادی اولویت داشته و سبب ایجاد مشکلاتی برای آسیب‌دیدگان شده است [۶۹].
ایرانمنش (۱۳۹۶)	الگویی نو در کمک‌رسانی انسان دوستانه؛ اولویت اشتغال‌زایی در کمک‌رسانی‌های پس از حادثه بر -اساس تجارب زلزله‌های بم و قره‌داغ آذربایجان شرقی	مهم‌ترین معضل پس از زلزله برای آسیب‌دیدگان، اشتغال پایدار و درآمدزاست و بسیاری از روش‌های به‌کارگرفته‌شده برای بازسازی مناطق زلزله‌زده فاقد رویکرد ایجاد اشتغال برای بازماندگان از زلزله است [۷۰].
دالهامر و تیرنی (۱۹۹۸)	بازآفرینی کسب‌وکارها پس از زلزله ۱۹۹۴ نورتریچ	اندازه کسب‌وکار، اختلال در فعالیت‌های کسب‌وکار به‌علت زلزله، شدت زلزله و استفاده از کمک خارجی پس از فاجعه همه پیش‌بینی‌کننده‌های بازآفرینی کسب‌وکارها هستند [۲۱].
فلاحی و ارژنگی (۲۰۱۱)	تداوم کسب‌وکار پس از زلزله ۲۰۰۳ بم در ایران	یکپارچگی طرح برنامه‌ریزی تداوم کسب‌وکار و طرح جامع بازسازی ممکن است راه برنامه‌ریزی بهتر بازبایی فاجعه در ایران را هموار کند [۲۴].
عسگری و صادقی نائینی (۲۰۱۱)	مدل‌سازی انطباق برنامه‌ریزی تداوم کسب‌وکار از طریق کسب‌وکارهای استفاده‌کننده از شبکه‌های عصبی	نرخ خطا برای بهترین مدل‌ها ۱۲ درصد بود که نشان دهنده دقت بسیار خوب این مدل‌ها در پیش‌بینی برنامه‌ریزی تداوم کسب‌وکار برای یک شرکت عمومی است [۷۱].
مهرگان و همکاران (۲۰۱۲)	تأثیر زلزله بم در اشتغال: تجزیه و تحلیل سهم شیب	بلایای طبیعی دارای تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت در ساختار اشتغال در مناطق آسیب‌دیده هستند؛ در حالی که اندازه‌گیری تأثیر اقتصادی کامل فاجعه‌ای نیاز به اقتصادسنجی پیچیده و شبیه‌سازی‌های ریاضی دارد. برای ارزیابی برخی از این اثرات می‌توان از مدل‌های اقتصاد منطقه‌ای متعارف مانند تجزیه و تحلیل سهم شیب استفاده کرد [۷۲].
عسگری و همکاران (۲۰۱۲)	بازبایی فاجعه و تداوم کسب‌وکار کوچک پس از سیل ۲۰۱۰ پاکستان	حداقل حمایت‌های دولتی و غیردولتی می‌تواند سرعت، کیفیت و پایداری بازبایی فاجعه کسب‌وکارهای کوچک را افزایش دهد [۱۸].
عسگری و همکاران (۲۰۱۳)	اندازه‌گیری تاب‌آوری کسب‌وکارهای کوچک در مقابل فاجعه: مورد مطالعه کسب‌وکارهای کوچک تحت تأثیر سیل سال ۲۰۱۰ پاکستان	قابلیت تاب‌آوری در میان کسب‌وکارهای کوچک تأثیرگذار است و تاب‌آوری کسب‌وکارها عمدتاً تحت تأثیر منابع انسانی و مالی داخلی و سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرد که کسب‌وکارها در طی دوره بهبودی از آن بهره‌مند شدند [۷۳].
سارمینتو و همکاران		

پژوهشگر(سال)	عنوان پژوهش	خلاصه نتیجه پژوهش
سارمینتو و همکاران (۲۰۱۵)	مدیریت ریسک فاجعه و آموزش کسب و کار: مطالعه کسب و کارهای کوچک و متوسط	با توسعه و انتشار دانش، فرآیندها و روش‌های بهتر از طریق فعالیت‌ها و کانال‌های مختلف مانند مشاوره کسب و کار و توسعه برنامه تداوم کسب و کار و ابزارهای انعطاف پذیری فاجعه برای کسب و کارهای کوچک و متوسط، دانشگاه بین‌المللی فلوریدا تجربه و تعهد به کارآفرینی خود را در اختیار کسب و کارهای کوچک و متوسط و جامعه فلوریدا جنوبی قرار می‌دهد [۷۴].
کمپ (۲۰۱۷)	بقای کسب و کارهای کوچک در شمال شرق فلوریدا پس از یک فاجعه طبیعی	استراتژی‌های صاحبان کسب و کار مربوط به موانع سیل، حفظ پوشش بیمه کافی، آسیب و عواقب بعد تخریب و تجربه بلایای طبیعی بود [۷۵].
احسان اوزدمیر و همکاران (۲۰۱۷)	عوامل مؤثر بر بازیابی فاجعه در کسب و کارهای کوچک: مطالعه موردی سیل ۲۰۱۳ کلگری کانادا	در حالی که بسیاری از عوامل تأثیر گذار غیرمستقیم (به جز خط-مشی) رابطه معناداری با بازیابی عملکرد اقتصادی دارند، تنها فرضیه اثبات شده آسیب کسب و کار (در میان اثرات مستقیم) ارتباط معناداری با بازیابی عملکرد اقتصادی دارد. علاوه بر این، آمادگی و سن کسب و کار (در میان ویژگی‌های کسب و کار) ارتباط معناداری با بازیابی اقتصادی کسب و کار دارد [۷۶].
اورهان (۲۰۱۷)	عوامل مؤثر بر انتخاب موقعیت مکانی کسب و کارهای پس از فاجعه: زلزله سال ۱۹۹۹ ترکیه	وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات و میزان آسیب به کسب و کار، تأثیرات قابل توجهی در انتخاب محل کسب و کار پس از یک بحران طبیعی به همراه دارد [۷۷].
هوانگ و همکاران (۲۰۱۸)	بازآفرینی کسب و کارهای پسافاجعه و توسعه پایدار: مطالعه زلزله سال ۲۰۰۸ وینچوان چین	توسعه سیاست‌های بازآفرینی پس از بلایای طبیعی در کشورهای در حال توسعه [۵۰].
لی و همکاران (۲۰۱۹)	عوامل مرتبط با تداوم فعالیت کسب و کارهای پس از زلزله: مطالعه موردی شهر لوشان چین	تداوم فعالیت کسب و کارهای آسیب‌دیده در برابر بلایای طبیعی پس از وقوع فاجعه، با سن صاحب کسب و کار، تجربه قبلی در برابر بلایای طبیعی، شرایط مالی پیش از فاجعه، مدت زمان بسته شدن و وام گرفتن از خانواده یا دوستان، رابطه مثبت داشت؛ این در حالی است که با اندازه کسب و کار رابطه منفی داشت [۲۵].
لی (۲۰۱۹)	بازگشایی کسب و کارهای پس از طوفان هاروی: شواهدی از مدل استمرار با اثرات فضایی	به غیر از خسارت به دارایی‌ها و اموال، مدت زمان تعطیلی کسب و کارها در اثر طوفان، بستگی به نوع فعالیت کسب و کار و خصوصیات مختلف مالک آن داشت. سرمایه اجتماعی قوی، نقش بسزایی در تاب‌آوری در برابر بحران ایفا می‌کند، و مالکان کسب و کارهایی که از سرمایه اجتماعی بهتری برخوردار بودند، راه‌اندازی مجدد کسب و کار خود را زودتر از دیگر مالکان کسب و کارهایی که از سرمایه اجتماعی مناسب برخوردار نبودند، شروع کردند [۳۹].
موریش و جونز (۲۰۱۹)	بازآفرینی کسب و کار پس از فاجعه: چشم انداز بازاریابی کارآفرینانه	گزاره‌های تحقیقاتی ایجاد شده در این پژوهش، پویایی محیط کسب و کار را تحت تأثیر تصمیمات کارآفرینانه، اقدامات و رفتارهای بازاریابی کارآفرینانه قرار می‌دهد. در این مطالعه، چارچوبی برای بازآفرینی کسب و کارهای پس از فاجعه ارائه شده است. این چارچوب، فرصت‌های جستجو، سازماندهی منابع، ایجاد ارزش برای مشتری و پذیرش ریسک را به عنوان مفاهیمی که پس از فاجعه، تفاوت‌های چشمگیری در بازآفرینی دارند را برجسته می‌کند [۲۰].

پژوهشگر (سال)	عنوان پژوهش	خلاصه نتیجه پژوهش
لی (۲۰۱۹)	بازآفرینی کسب‌وکارها پس از طوفان هاروی	خسارت به اموال و دارایی‌ها، در نحوه تأمین بودجه کسب‌وکارها برای بازآفرینی آنها و در نتیجه توانایی کسب‌وکارها برای از سرگیری فعالیت پس از بسته شدن موقت، تأثیر داشت. افزون بر خسارت به اموال و دارایی‌ها، از دست دادن سرمایه‌های انسانی هم یک چالش جدی برای بازآفرینی کسب‌وکارهای آسیب‌دیده ایجاد کرده بود [۷۸].
کرم‌ن و همکاران (۲۰۲۰)	مدل‌سازی زمان بازآفرینی کسب‌وکارهای پس از زلزله: یک چارچوب تحلیلی	یافته‌های این پژوهش اهمیت محاسبه چندین عامل را در هنگام مدل‌سازی بازآفرینی کسب‌وکارها به دلیل وقایع لرزه ای را نشان می‌دهد [۱۲].

یا چند سؤال باز، گستره پژوهش خود را آغاز و با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری و با حساسیت نظری از طریق یک یا چند روش گردآوری داده‌ها به تحلیل و گردآوری همزمان داده‌ها مبادرت کرد. در فرآیند تحلیل داده‌ها با کدگذاری نکات کلیدی و استنتاج مفاهیم، با عنایت به تطبیق پیوسته، مقوله‌ها را استخراج، و سرانجام با برقراری ارتباط بین همه عناصر استخراج شده به تکوین نظریه پرداخته شده است. جامعه مورد مطالعه پژوهش را کلیه کارآفرینان و مالکان کسب‌وکارهای آسیب‌دیده و تخریب‌شده شهری و روستایی در حوزه‌های مختلف (کشاورزی، دامپروری، صنعتی، معدنی و تولیدی)، و همچنین مسئولان دولتی (فرمانداران، معاونین فرماندار، کارشناسان مدیریت بحران فرمانداری ها، رؤسای اصناف، مدیران اداره صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی) شهرستان های درگیر در زلزله سال ۱۳۹۶ کرمانشاه شامل ۶ شهرستان اسلام آباد غرب، دالاهو، گیلانغرب، سرپل ذهاب، قصر شیرین و ثلاث باباجانی تشکیل داد. از آنجا که در روش پژوهش کیفی (نظریه داده‌بنیاد) تعمیم یافته‌ها مدنظر نیست، بنابراین ما از قبل چیزی تحت عنوان حجم نمونه نداریم؛ بلکه معیار آن، دستیابی به اشباع نظری است. به عبارت دیگر، انتخاب نمونه‌ها تا مرحله اشباع نظری (رسیدن به مرحله‌ای که نظر یا مورد جدیدی در زمینه پرسش‌های مطرح شده از سوی افراد ذکر نشود و داده‌ها جنبه تکرار داشته باشد) ادامه خواهد یافت. در راستای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش، روش نمونه‌گیری مورداستفاده، نظری و از تکنیک‌های هدفمند و گلوله‌برفی استفاده شد. بنابراین مطالعه با نمونه‌گیری هدفمند شروع و با نمونه‌گیری نظری ادامه یافت. بر این اساس با توجه به شناخت پژوهشگر و در نظر گرفتن اهداف پژوهش، مصاحبه با ۳۶ نفر از مالکان کسب‌وکارها و ۲۰ نفر از مسئولان دولتی (در مجموع ۵۶ مصاحبه) انجام شد. بنابراین بر اساس شاخص کفایت نظری داده‌ها، از مصاحبه سی و هشتم به بعد، داده‌ها جنبه تکراری پیدا کرد و شاخص اشباع نظری حاصل شد. با این وجود، برای اطمینان خاطر از اینکه داده‌های جدیدی به داده‌های قبلی افزوده نشود و برای اطمینان از حصول اشباع نظری در هر شهرستان ۳ مصاحبه دیگر انجام شد (در مجموع ۵۶ مصاحبه) و با توجه به اینکه هیچ مفهوم و طبقه جدیدی از داده‌های

بر اساس جمع بندی پژوهش‌های پیشین، به وضوح می‌توان دریافت که پژوهش‌های بسیار اندکی در داخل کشور سانه خیز ایران در زمینه بازآفرینی کسب‌وکارهای پس از بحران، انجام شده است و پژوهشگران توجهی به این مقوله نکرده‌اند. لذا، خلأ پژوهش در این باره از یک سو بیانگر ضرورت و اهمیت پرداختن به موضوع مذکور و از سوی دیگر حاکی از جدید و نو بودن پژوهش حاضر است. در نتیجه این پژوهش در راستای پر کردن خلأ و شکاف یادشده با استفاده از ارائه و تدوین مدل بازآفرینی کسب‌وکارهای کوچک در مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه، صورت پذیرفته است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ پارادایم از نوع کیفی، به لحاظ هدف، توسعه‌ای-کاربردی و به لحاظ روش، اکتشافی و از نوع نظریه داده‌بنیاد است. از دلایل انتخاب روش کیفی با توجه به موضوع و ماهیت پرسش‌های پژوهش حاضر، سیطره رویکردهای پژوهش کمی در مطالعات حوزه علوم اجتماعی [۷۹] و عمق کم یافته‌های به دست آمده از مطالعات کمی [۸۰] از یک سو و وجود متغیرهای اندک در پیشبرد پژوهش حاضر و همچنین ضرورت شناسایی پدیده مورد مطالعه (بازآفرینی کسب‌وکارهای کوچک پس از بحران زلزله)، از سوی دیگر، است. افزون بر این اکثر مطالعات موجود در مورد «بازآفرینی و تداوم فعالیت کسب‌وکارها»، به جای استفاده از پژوهش‌های کمی از تحلیل نظری کیفی استفاده کرده‌اند [۱۰، ۱۱]. الگوهای متعددی برای انجام پژوهش با روش نظریه داده‌بنیاد ارائه شده است [از جمله الگوی گلاسر و استراوس (۱۹۶۷)، الگوی استراوس و کوربین (۱۹۹۰) و الگوی پندیت (۱۹۹۶) و الگوی چارمز (۲۰۰۶)]. اما همه این الگوها علی‌رغم تفاوت‌های ظریف بایکدیگر، در جنبه‌های اساسی اشتراک دارند. این جنبه‌ها عبارتند از گردآوری و تحلیل هم زمان داده‌ها، استفاده از روش نمونه‌گیری نظری، حساسیت نظری در گردآوری و تحلیل داده‌ها، استفاده از یک فرآیند کدگذاری منظم و در عین حال منعطف، تطبیق پیوسته مشاهدات و برداشت‌ها در کل فرآیند گردآوری و تحلیل داده‌ها و ترسیم روابط منطقی و سازگار بین عناصر استخراج شده [۸۱]. در این مطالعه با استفاده از ویژگی‌های مشترک این الگوها، و همچنین رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین (۱۹۹۰)، الگویی انتخاب شده که به ترتیب پژوهشگر با انتخاب مسأله و تدوین یک

مصاحبه‌ها به دست نیامد، اشباع نظری حاصل شد. با توجه به جوان بودن مطالعات میان رشته‌ای بازآفرینی کسب‌وکارهای پس از زلزله، غالب روش‌های پژوهش به کار گرفته شده، مبتنی بر مشاهدات میدانی، مصاحبه عمیق نیمه‌ساختارمند با مطلعان کلیدی از جمله کارآفرینان، صاحبان کسب‌وکارهای تخریب‌شده و آسیب‌دیده، بازاریبان و کسبه؛ و مسئولان دولتی مناطق زلزله‌زده و نزدیک تر شدن پژوهشگر به اطلاع رسانیان (دروازه بانان)، داده‌های دست اول گردآوری شد. پس از کسب اطلاعات دموگرافیک، سؤالات کلی که به‌عنوان راهنمای مصاحبه‌ها طراحی شده بود و پاسخ‌های باز و تفسیری داشت، نظیر «بعد از وقوع زلزله کسب‌وکار شما با چه چالش‌ها و مشکلاتی مواجه بود؟»، «از چه راهکارهایی برای بازآفرینی مجدد کسب‌وکارتان استفاده کرده اید؟» و «چه عواملی در بازآفرینی کسب‌وکار شما تأثیرگذار بود؟» پرسیده می‌شد. همچنین، از سؤالات عمق دهنده نظیر «ممکن است بیشتر توضیح بدهید؟» و «منظورتان چیست؟» استفاده شد. با پیشبرد مصاحبه‌ها و تجزیه و تحلیل هم‌زمان و شکل‌گیری طبقات مسیر مصاحبه‌های بعدی تعیین شد. مدت مصاحبه‌ها ۱۰۰-۴۵ دقیقه به طول انجامید. تمام مصاحبه‌ها به‌صورت هم‌زمان ضبط و یادداشت برداری شدند و به تأیید مشارکت‌کنندگان در پژوهش رسیدند. همچنین، گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت هم‌زمان انجام شد. داده‌های به‌دست‌آمده از هر مصاحبه جهت کدگذاری به صورت نوشتاری درآمد و به روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم و مطابق رهیافت استراوس و کوربین (۱۹۹۰) مورد تفسیر قرار گرفت [۸۲]. در این پژوهش به‌منظور تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، از روش تحلیل محتوا و الگوی ۳ مرحله‌ای کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده شد. به‌منظور اطمینان از روایی، اعتباربخشی، صحت و استحکام داده‌های پژوهش، از معیارهای چهارگانه لینکلن و گوبا نظیر قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال‌پذیری و تناسب، قابلیت اطمینان و ثبات، قابلیت تصدیق

استفاده شد [۸۳]. جهت سنجش پایایی پژوهش، از روش پایایی بازآزمون استفاده شده است. شاخص ثبات یا پایایی بازآزمون به میزان سازگاری طبقه‌بندی داده‌ها در طول زمان اشاره دارد که در آن ابتدا فرد کدگذار مستقل، با پیشینه موضوع آشنا می‌شود و پس از یادگیری روش کدگذاری داده‌ها را کدگذاری می‌کند. سپس با یکی از معیارهای توافق درصدی روش هولستی، آلفای کربندروف، کاپای کوهن و پای اسکات میزان تطابق کدها تعیین می‌شود [۸۴]. در این پژوهش با استفاده از روش پایایی هولستی، میزان تطابق کدگذاری‌ها مشخص شده است. فرمول ضریب توافق کدگذاری به روش هولستی عبارت است از:

رابطه (۱):

$$PAO=2M/(N1+N2): (2 \times 49)/(60+60)=0.82$$

در رابطه (۱)، PAO به معنی درصد توافق مشاهده شده (ضریب پایایی)، M: تعداد موارد کدگذاری شده توسط ۲ کدگذار است که بین آنها توافق وجود داشته باشد. N1: تعداد کلی موارد کدگذاری شده توسط کدگذار نخست است و N2: تعداد موارد کدگذاری شده توسط کدگذار دوم است. این رقم بین صفر (هیچ توافق) تا یک (توافق کامل) متغیر است. در صورتی که خروجی رابطه (۱) بیشتر از ۸۰ درصد باشد، پایایی حاصل می‌شود [۸۵]. در پژوهش حاضر برای محاسبه پایایی با استفاده از آزمون هولستی، از بین مصاحبه‌های صورت‌پذیرفته تعداد ۳ مصاحبه به‌صورت تصادفی انتخاب شد و هر کدام توسط کدگذار مستقل آموزش دیده کدگذاری شده است. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تعداد کل کدها توسط هر ۲ فرد کدگذار، ۶۰ و تعداد کل توافقات بین کدگذاری‌های صورت‌گرفته برابر ۴۹ است. بر این اساس، پایایی مصاحبه‌های صورت‌پذیرفته در این پژوهش با استفاده از رابطه (۱) برابر ۸۲ درصد است. با توجه به اینکه میزان پایایی بیشتر از ۸۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است (جدول ۲).

جدول ۲. محاسبه پایایی پژوهش به روش هولستی

ردیف	شماره مصاحبه	تعداد موارد کدگذاری شده توسط کدگذار نخست	تعداد توافقات	پایایی بازآزمون
۱	شماره ۵	۲۳	۱۸	۸۳
۲	شماره ۱۵	۱۹	۱۶	۸۲
۳	شماره ۳۰	۱۸	۱۵	۸۱
	مجموع	۶۰	۴۹	۸۲

یافته‌های پژوهش

در نظریه داده‌بنیاد جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از ۳ نوع کدگذاری استفاده می‌شود که عبارتند از کدگذاری باز (خلق مفاهیم و مقوله‌ها)، کدگذاری محوری (شناسایی مقوله محوری، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و محیطی، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) و کدگذاری انتخابی (خلق نظریه) است که در ادامه نحوه شکل‌گیری مقوله‌های حاصل از مفاهیم شرح داده می‌شود.

الف) کدگذاری باز: در این مرحله، با بکارگیری انواع روش‌های گردآوری داده‌های کیفی مانند مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته، بررسی تجارب جهانی بازآفرینی کسب‌وکارها، مطالعه اسناد، مقالات و... داده‌ها بر اساس منطق حاکم بر نمونه‌گیری نظری، گردآوری شده‌اند. افزون بر این، در این مرحله، با مرور و تحلیل یادداشت‌های میدانی و متن مصاحبه‌ها، تمام نکات اصلی و کلیدی مصاحبه‌ها استخراج و کدگذاری شدند و اجزای مشابه و معنادار مباحث، به‌صورت کدهایی ثبت شد

و در مجموع ۵۵۵ کد از متن مصاحبه‌ها احصاء شد. سپس کدهای دارای بار معنایی مشابه در قالب مفاهیم بایکدیگر ادغام شدند که در مجموع ۳۳۲ مفهوم از متن مصاحبه‌ها استخراج شد.

ب) کدگذاری محوری: بر این اساس، طی فرآیند کدگذاری محوری مقایسه نظری مداوم و هم‌زمان میان مقوله‌ها انجام گرفت تا روابط میان مقوله‌های فرعی و اصلی توسعه داده شود. به این ترتیب، مقوله‌های به‌دست‌آمده از فرآیند کدگذاری باز، در شش دسته شامل مقوله محوری، عوامل علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها شکل گرفت. بر این اساس، عوامل علی شامل ۸ مقوله، عوامل زمینه‌ای شامل ۵ مقوله، عوامل مداخله‌گر شامل ۹ مقوله، پدیده محوری شامل ۱ مقوله، راهبردهای بازآفرینی شامل ۲۰ مقوله و در نهایت پیامدهای بازآفرینی کسب‌وکارها، دارای ۱۶ مقوله هستند (جدول ۳).

جدول ۳. کرد مقوله‌ها در کدگذاری محوری

عوامل	مقوله‌ها	ردیف
عوامل علی	خسارت‌های اقتصادی به کسب‌وکارها	۱
	فرصت‌های نوظهور اقتصادی پس از بحران	۲
	مسئولیت سیاست‌گذاران در حمایت از شهروندان سانحه دیده	۳
	از دست دادن بازار کسب‌وکار و آسیب به برند کسب‌وکار	۴
	پتانسیل بروز آسیب‌های اجتماعی پس از سانحه	۵
	بروز فشارهای روحی و روانی حاصل از سانحه	۶
	برگشت به زندگی و ایجاد امید در میان سانحه‌دیدگان	۷
	میل به مهاجرت	۸
عوامل زمینه‌ای	ضعف فرهنگ کار و کارآفرینی	۹
	فرسایش سرمایه اجتماعی و بروز آن در هنگام وقوع بحران	۱۰
	حمایت ناعادلانه از کسب‌وکارها در هنگام بازآفرینی	۱۱
	استاندارد نبودن ساختار کالبدی واحدهای کسب‌وکارها	۱۲
	بدهی قبل از بحران کسب‌وکارها	۱۳
عوامل مداخله‌گر	کارآیی نظام مدیریت بحران	۱۴
	کارآیی نظام بانکی	۱۵
	کارآیی صنعت بیمه	۱۶
	ثبات اقتصادی در کشور	۱۷
	سطح حمایت‌های دولت	۱۸
	قوانین و مقررات	۱۹

۱۰۰

ویژه نامه دوم
(پدافند غیر عامل)

دوفصلنامه
علمی و پژوهشی

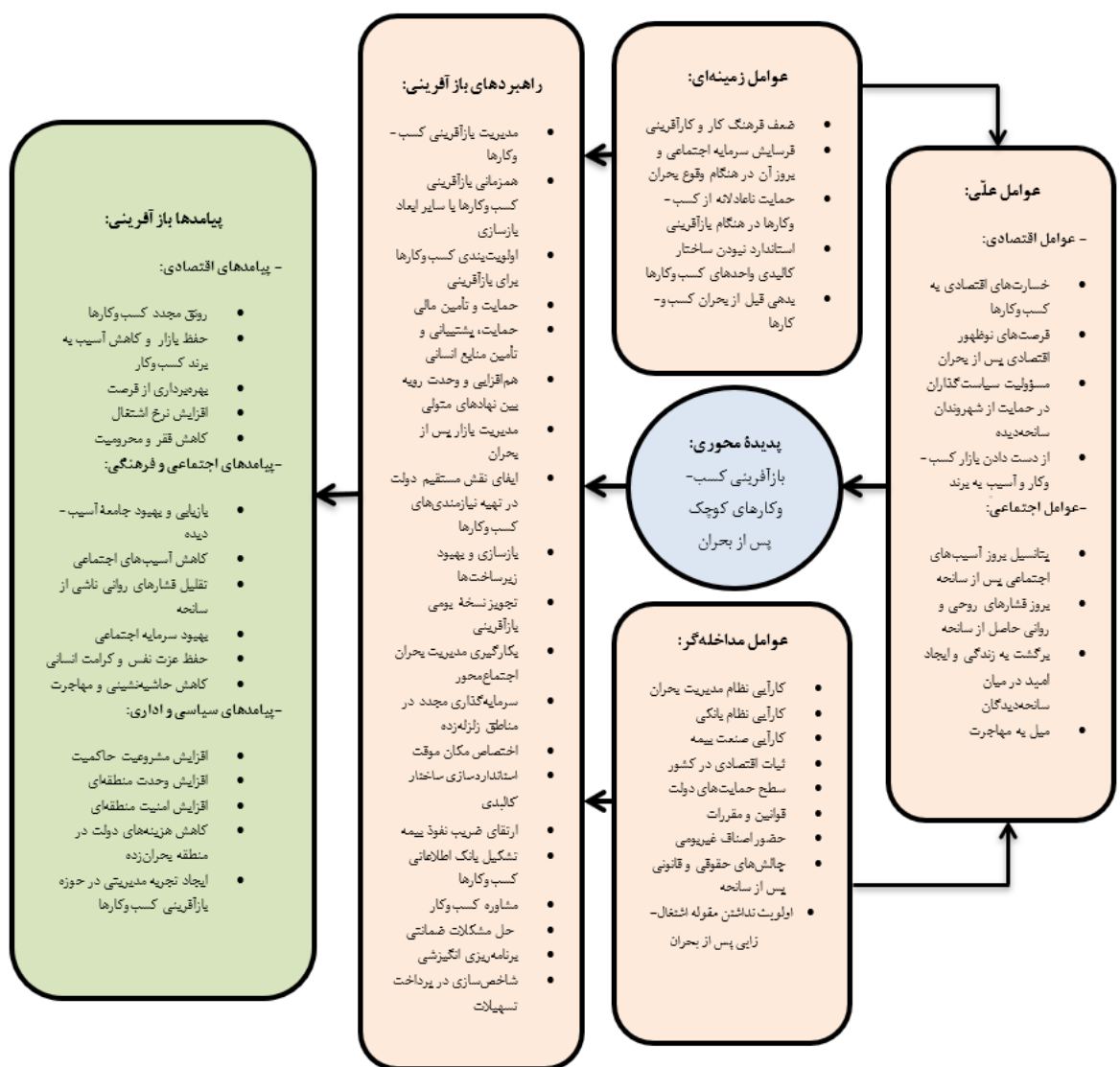


از بحران زلزله کرمانشاه - ایوب پژوهان
طراحی و تدوین مدل بازآفرینی کسب و کارهای کوچک پس

ردیف	مقوله‌ها	عوامل
۲۰	حضور اصناف غیربومی	عوامل مداخله‌گر
۲۱	چالش‌های حقوقی و قانونی پس از سانحه	
۲۲	اولویت نداشتن مقوله اشتغال‌زایی پس از بحران	
۲۳	مدیریت بازآفرینی کسب‌وکارها	راهبردهای بازآفرینی
۲۴	هم‌زمانی بازآفرینی کسب‌وکارها با سایر ابعاد بازسازی	
۲۵	اولویت بندی کسب‌وکارها برای بازآفرینی	
۲۶	حمایت و تأمین مالی	
۲۷	حمایت، پشتیبانی و تأمین منابع انسانی	
۲۸	هم‌افزایی و وحدت رویه بین نهادهای متولی	
۲۹	مدیریت بازار پس از بحران	
۳۰	ایفای نقش مستقیم دولت در تهیه نیازمندی‌های کسب‌وکارها	
۳۱	بازسازی و بهبود زیرساخت‌ها	
۳۲	تجویز نسخه بومی بازآفرینی	
۳۳	بکارگیری مدیریت بحران اجتماع محور	
۳۴	سرمایه‌گذاری در مناطق زلزله‌زده	
۳۵	اختصاص مکان موقت	
۳۶	استانداردسازی ساختار کالبدی کسب‌وکار	
۳۷	ارتقای ضریب نفوذ بیمه	
۳۸	تشکیل بانک اطلاعاتی کسب‌وکارها	
۳۹	مشاوره کسب‌وکار	
۴۰	حل مشکلات ضمانتی	
۴۱	برنامه‌ریزی انگیزشی	
۴۲	شاخص‌سازی در پرداخت تسهیلات	
۴۳	رونق مجدد کسب‌وکارها	پیامدهای بازآفرینی
۴۴	حفظ بازار و کاهش آسیب به برند کسب‌وکار	
۴۵	بهره‌برداری از فرصت	
۴۶	افزایش نرخ اشتغال	
۴۷	کاهش فقر و محرومیت	
۴۸	کاهش حاشیه‌نشینی و مهاجرت	
۴۹	بازیابی و بهبود جامعه آسیب‌دیده	
۵۰	کاهش آسیب‌های اجتماعی	
۵۱	تقلیل فشارهای روانی ناشی از سانحه	
۵۲	بهبود سرمایه اجتماعی	
۵۳	حفظ عزت نفس و کرامت انسانی	
۵۴	افزایش مشروعیت حاکمیت	
۵۵	افزایش وحدت منطقه‌ای	
۵۶	افزایش امنیت منطقه‌ای	
۵۷	کاهش هزینه‌های دولت در منطقه بحران‌زده	
۵۸	ایجاد تجربه مدیریتی در حوزه بازآفرینی کسب‌وکارها	

کدگذاری انتخابی: در این مرحله پژوهشگر بر اساس نتایج کدگذاری باز و کدگذاری محوری به ارائه نظریه پرداخت و پدیده محوری را به شکلی نظام‌مند (شکل ۱) به دیگر مقوله‌ها پیوند داد و روابط در قالب روایتی مطرح شدند. افزون بر این با کنار هم نهادن مقوله‌ها پیرامون پدیده محوری، یک روایت اصلی بر اساس نظریه، برای پدیده بازآفرینی کسب و کارهای کوچک پس از بحران، ارائه شد. روایت زیر حاصل کدگذاری انتخابی برای پدیده بازآفرینی کسب و کارهای کوچک پس از بحران است: «در مدل پارادایمی حاصل، خسارت‌های اقتصادی به کسب و کارها، فرصت‌های نوظهور اقتصادی پس از بحران، مسؤولیت سیاست‌گذاران در حمایت از شهروندان سانحه دیده، از دست دادن بازار کسب و کار و آسیب به برند، پتانسیل بروز آسیب‌های اجتماعی پس از سانحه، بروز فشارهای روحی و روانی حاصل از سانحه، برگشت به زندگی و ایجاد امید در میان سانحه‌دیدگان و در نهایت میل به مهاجرت، به عنوان «عوامل علی» شناسایی شدند. عوامل یادشده عواملی هستند که بازآفرینی کسب و کارهای کوچک آسیب‌دیده و تخریب‌شده پس از بحران را ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌کند. راهبردهای بازآفرینی کسب و کارهای کوچک پس از بحران، شامل مواردی همچون مدیریت بازآفرینی کسب و کارها، هم‌زمانی بازآفرینی کسب و کارها با سایر ابعاد بازسازی، اولویت‌بندی کسب و کارها برای بازآفرینی، حمایت و تأمین مالی، حمایت، پشتیبانی و تأمین منابع انسانی، هم‌افزایی و وحدت رویه بین نهادهای متولی، مدیریت بازار پس از بحران، ایفای نقش مستقیم دولت در تهیه نیازمندی‌های کسب و کارها، بازسازی و بهبود زیرساخت‌ها، تجویز نسخه بومی بازآفرینی، بکارگیری مدیریت بحران اجتماع محور، سرمایه‌گذاری در مناطق زلزله‌زده، اختصاص مکان موقت، استانداردسازی ساختار

کالبدی، ارتقای ضریب نفوذ بیمه، تشکیل بانک اطلاعاتی کسب و کارها، مشاوره کسب و کار، حل مشکلات ضمانتی، برنامه‌ریزی انگیزشی، و شاخص‌سازی در پرداخت تسهیلات، هستند که متأثر از عواملی همچون کارایی نظام مدیریت بحران، کارایی نظام بانکی، کارایی صنعت بیمه، ثبات اقتصادی در کشور، سطح حمایت‌های دولت، قوانین و مقررات، حضور اصناف غیربومی، چالش‌های حقوقی و قانونی پس از سانحه، اولویت نداشتن مقوله اشتغال‌زایی پس از بحران، به عنوان «عوامل مداخله‌گر»؛ و «عوامل زمینه‌ای و محیطی» از قبیل ضعف فرهنگ کار و کارآفرینی در مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه، فرسایش سرمایه اجتماعی و بروز آن در هنگام وقوع بحران، حمایت ناعادلانه از کسب و کارها در هنگام بازآفرینی، استاندارد نبودن ساختار کالبدی واحدهای کسب و کارها، و بدهی قبل از بحران کسب و کارها، هستند. در نهایت بازآفرینی کسب و کارهای کوچک پس از بحران، منجر به ظهور و بروز «پیامدهای بازآفرینی کسب و کارها»، از قبیل «پیامدهای اقتصادی» همچون رونق مجدد کسب و کارها، حفظ بازار و کاهش آسیب به برند کسب و کار، بهره‌برداری از فرصت، افزایش نرخ اشتغال، و کاهش فقر و محرومیت؛ «پیامدهای اجتماعی و فرهنگی» همچون بازبازی و بهبود جامعه آسیب‌دیده، کاهش آسیب‌های اجتماعی، تقلیل فشارهای روانی ناشی از سانحه، بهبود سرمایه اجتماعی، حفظ عزت نفس و کرامت انسانی و کاهش حاشیه‌نشینی و مهاجرت؛ و همچنین «پیامدهای سیاسی و اداری» همچون افزایش مشروعیت حاکمیت، افزایش وحدت منطقه‌ای، افزایش امنیت منطقه‌ای، کاهش هزینه‌های دولت در منطقه بحران‌زده و ایجاد تجربه مدیریتی در حوزه بازآفرینی کسب و کارها می‌شود.»



شکل ۱. مدل پارادایمی بازآفرینی کسب و کارهای کوچک پس از بحران زلزله

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر مدل بازآفرینی کسب و کارهای کوچک آسیب‌دیده پس از بحران زلزله سال ۱۳۹۶ کرمانشاه، با استفاده از رویکرد نظریه داده‌بنیاد طراحی و تدوین شد. بررسی ادبیات نظری و پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون بازآفرینی کسب و کارها، و همچنین تحلیل نظام‌مند مصاحبه‌های صورت‌گرفته، منجر به شناسایی ۵۵۵ مدل پارادایمی ۳۳۲ مفهومی و ۵۸ مقوله شد. در پایان، مدل بازآفرینی کسب و کارهای آسیب‌دیده در اثر زلزله، ارائه شد. در این زمینه، یکی از مهم‌ترین شرایط علی شناسایی شده، خسارت‌های اقتصادی و آسیب‌های فیزیکی فراوانی بود که زلزله به کسب و کارها از قبیل بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی کوچک و خانوادگی، مغازه‌ها و سایر حرف و مشاغل، در مناطق زلزله‌زده وارد کرد. بنابراین به جهت خسارت‌های اقتصادی وارده به کسب و کارها، بازآفرینی کسب و کارهای آسیب‌دیده ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ چرا که کسب و کارها با تأمین مشاغل، کالاها و خدمات و درآمد مالیاتی، نقش حیاتی اقتصادی و اجتماعی در بازتوانی جامعه ایفا می‌کنند. این بخش از یافته‌های پژوهش با نتایج مطالعات قبلی [۸۶، ۸۷، ۷۰، ۶۹، ۱۹، ۱۱] هم‌راستا است. یکی از دلایلی که باعث می‌شود بازآفرینی کسب و کارهای کوچک آسیب‌دیده مورد توجه قرار گیرد، کاهش سهم بازار، از دست دادن مشتریان و آسیب به برند آنهاست. پس از وقوع زلزله، ممکن است کسب و کارها تا مدت‌ها بازار و مشتریان خود را به علت عدم تداوم فعالیت و ارائه خدمت، از دست بدهند. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین هم‌راستا است [۴۰]. چنانچه کسب و کارهای مناطق زلزله‌زده بازآفرینی و احیا شوند، پیامدهای مثبتی از قبیل کسب درآمد به دست سانحه‌دیدگان، کاهش آلام روحی و روانی آسیب‌دیدگان، جلوگیری از افسردگی، ناامیدی و دلمردگی، روان‌درمانی و سرگرم کردن آسیب‌دیدگان در صورت ایجاد شغل، افزایش انگیزه و امید در میان آسیب‌دیدگان، و کاهش مهاجرت را به همراه خواهد داشت. این یافته پژوهش هم با نتایج مطالعات قبلی [۸۷، ۷۰] هم‌راستا است.

پدیده محوری به همراه عوامل مداخله‌گر و عوامل زمینه‌ای، منجر به شکل‌گیری راهبردهای بازآفرینی کسب و کارها می‌شود. عوامل زمینه‌ای در این مدل عبارت است از: ضعف فرهنگ کار و کارآفرینی، فرسایش سرمایه اجتماعی و بروز آن در هنگام وقوع بحران، حمایت ناعادلانه از کسب و کارهای آسیب‌دیده در هنگام بازآفرینی، استاندارد نبودن ساختار کالبدی و فیزیکی واحدهای کسب و کارها، و بدهی قبل از بحران کسب و کارها که بر روی بازآفرینی کسب و کارها تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، از جمله چالش‌هایی که در این پژوهش شناسایی شد و به نظر می‌رسد پس از بحران زلزله سال ۱۳۹۶ بیشتر مبتلا به مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه شده است، «ضعف فرهنگ کار و کارآفرینی» در مناطق مذکور است. یافته‌های پژوهش در این زمینه مؤید این است که عواملی از قبیل عدم

اراده مالکان برای بازآفرینی کسب و کارها، انتظار مالکان کسب و کار از دیگران برای بازآفرینی کسب و کارهایشان، دیدگاه اشتباه مردم جهت جبران کل خسارت‌ها توسط دولت، ضعف اطلاعاتی در خصوص اولویت اشتغال‌زایی در مناطق زلزله‌زده بر اساس پتانسیل‌های بومی، نبود پشتکار در میان سانحه‌دیدگان، و عدم توانمندی آنها برای راه‌اندازی مجدد کسب و کارها، روند بازآفرینی کسب و کارها را با مشکل مواجه کرده است. این یافته پژوهش، با نتایج پژوهش‌های پیشین [۸۸، ۸۹، ۹۰] هم‌سو و با نتایج پژوهش دیگری [۹۱] ناهم‌سوست. در این زمینه، نتایج پژوهشی حکایت از این دارد که زیرسیستم فرهنگی استان کرمانشاه در اکوسیستم کارآفرینی اوضاع مطلوبی ندارد و فرهنگ موجود، حامی کارآفرینی نیست و حتی در بسیاری از مواقع از ظهور کارآفرینی جلوگیری می‌کند [۹۱]. در پژوهش دیگری این نتیجه به دست آمد که فرهنگ کار در شهرستان کرمانشاه وضعیت مناسبی ندارد و پایین‌تر از متوسط کشوری است. شایان ذکر است که جامعه مورد مطالعه در این مطالعه صرفاً شهرستان کرمانشاه بوده است؛ این در حالی است که در پژوهش حاضر، شش شهرستان درگیر در زلزله، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است [۸۹]. در پژوهش دیگری این نتیجه حاصل شد که، با وجود اینکه وضعیت استان کرمانشاه در محور زیرساخت‌ها از جمله شاخص انرژی از میانگین کشوری بهتر است، اما در محور فرهنگ کار بیشترین فاصله را با میانگین کشوری دارد [۹۰]. از سوی دیگر، در مطالعه دیگری که به بررسی فرهنگ کار در بین شهروندان کرمانشاه می‌پردازد، این نتیجه حاصل شد که شهروندان کرمانشاهی از شاخص‌های تشکیل‌دهنده فرهنگ کار (فعال‌گرایی، انی، میل به موفقیت، انطباق با محیط، تجربه‌گرایی، خردورزی و برنامه‌ریزی) که به نوعی فرهنگ کار را اندازه می‌گیرند، نمره متوسط به بالایی گرفته‌اند و بنابراین فرهنگ کار در کرمانشاه مشکل‌چندانی ندارد و دلایل عدم توسعه یافتگی استان کرمانشاه را باید در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی واکاوی کرد [۹۱]. در تبیین نتایج به‌دست‌آمده می‌توان اظهار کرد که به نظر می‌رسد، یکی از دلایل تضعیف «فرهنگ کار و کارآفرینی» در مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه شوک ناشی از وقوع بحران زلزله و سیطره مسائل روحی و روانی ناشی از آن بر مردمان مناطق مذکور باشد؛ به نحوی که آنها انگیزه و پشتکار لازم را جهت از سرگیری و بازآفرینی کسب و کار خود ندارند. در این راستا به نظر می‌رسد انجام مداخلات روحی و روانی جهت بازگشت به زندگی و تریق امید در میان بازماندگان از سانحه، می‌تواند در تقویت «فرهنگ کار و کارآفرینی» سازنده و راهگشا باشد. چالش دیگری که در این پژوهش شناسایی شد و در روند بازآفرینی کسب و کارهای مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه، اختلال و وقفه ایجاد کرده بود، «تقلیل و فرسایش سرمایه اجتماعی» است. بر اساس یافته‌های پژوهش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در بین سانحه‌دیدگان پس از وقوع زلزله به شدت تنزل پیدا کرد.

۱۰۳

ویژه نامه دوم
(پدافند غیر عامل)

دوفصلنامه
علمی و پژوهشی

بهرین

طراحی و تدوین مدل بازآفرینی کسب و کارهای کوچک پس از بحران زلزله کرمانشاه - ایوب پژوهان

این در حالی است که، یکی از مؤلفه‌هایی که می‌تواند روند بازآفرینی کسب‌وکارهای پس از بحران را تسهیل و تسریع کند، سازه سرمایه اجتماعی است. در این راستا، آلدریج (۲۰۱۱) سازه سرمایه اجتماعی را به‌عنوان قوی‌ترین و قابل پیش‌بینی‌کننده‌ترین عامل بهبود جوامع پس از بلایای طبیعی معرفی می‌کند [۹۲]. همچنین، به زعم عسگری و همکاران (۲۰۱۳) یکی از عواملی که تاب‌آوری کسب‌وکارها را در دوران بازآفرینی آنها، تحت تأثیر قرار داده و کسب‌وکارها از آن بهره می‌برند، سرمایه اجتماعی است [۷۳]. افزون بر این لی (۲۰۱۹) بر نقش حیاتی سرمایه اجتماعی در تاب‌آوری در برابر بحران و بازگشایی کسب‌وکارهای پس از طوفان هاروی، تأکید داشت و براین نظر است که مالکان کسب‌وکارهایی که از سرمایه اجتماعی قوی برخوردار بودند، زودتر از هم‌تایان خود که از سرمایه اجتماعی ضعیفی برخوردار بودند، کسب‌وکار خود را بازگشایی کردند [۳۹].

از سوی دیگر، عوامل مداخله‌گر شامل کارایی نظام مدیریت بحران، کارایی نظام بانکی، کارایی صنعت بیمه، ثبات اقتصادی در کشور، سطح حمایت‌های دولت، قوانین و مقررات، حضور اصناف غیربومی، چالش‌های حقوقی و قانونی پس از سانحه، و اولویت نداشتن مقوله اشتغال‌زایی پس از بحران، به‌عنوان مهم‌ترین عواملی شناسایی شده‌اند که وجود یا نبود آنها نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری راهبردهای بازآفرینی کسب‌وکارها دارند. به‌عنوان مثال، از جمله چالش‌هایی که در این پژوهش شناسایی شد، می‌توان به «ضعف عملکردی و عدم کارایی نظام مدیریت بحران کشور در هنگام وقوع سوانح طبیعی» اشاره کرد. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش‌های قبلی هم‌راستا است [۸۷،۷۰]. افزون بر این، مشخص شد که نظام بانکی و صنعت بیمه کشور در زمان وقوع بحران زلزله کرمانشاه از کارایی لازم برخوردار نبوده است. این بخش از یافته پژوهش هم با نتایج پژوهش‌های پیشین هم‌راستا است [۱،۱۹،۹۳]. بوروکراسی اداری و قوانین و مقررات حاکم بر فضای کسب‌وکارها یکی از مؤلفه‌هایی است که می‌تواند روند بازآفرینی کسب‌وکارها را تسهیل یا با مانع مواجه کند. در این زمینه ما شاهد هستیم قوانین و ضوابطی که در کشور وضع شده است، به جای اینکه تسهیل‌کننده باشد، خود مانعی برای افزایش نرخ فعالیت‌های کارآفرینانه و رونق فضای کسب‌وکار در کشور است. در تجربه زلزله کرمانشاه، به جهت بازآفرینی کسب‌وکارهای آسیب‌دیده، قوانین دست‌وپاگیر و عدم وحدت رویه میان نهادهای متولی بازآفرینی در صدور مجوزها، یکی از موانع جدی در فرآیند بازآفرینی کسب‌وکارهای آسیب‌دیده بود. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین هم‌راستا است [۹۴،۹۵]. در این راستا به جهت بهبود فضای کسب‌وکار یکی از اقدامات مهم تسریع و تسهیل در شرایط کسب مجوزهای کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری است. حضور اصناف و نیروی کاری غیربومی، چالش دیگری بود که برخی کسب‌وکارها با آن مواجه بودند. رکود واحدهای تولیدی منطقه و بیکار شدن نیروی کار بومی و محلی به‌علت حضور اصناف مختلف و نیروی

کار غیربومی از شهرهای دیگر بر مشکلات کسب‌وکارها افزودند. این در حالی است که بر اساس تجارب وقوع بحران‌های طبیعی مختلف در ایران، استفاده از نیروهای بومی برای احیا و بازآفرینی ضرورتی انکارناپذیر است. افزون بر این از جمله مواردی که سبب کمک به اقتصاد محلی پس از وقوع سانحه می‌شود، توجه به استفاده از منابع و نیروی کار بومی و محلی به‌منظور بازتوانی اقتصادی منطقه آسیب‌دیده است. استفاده از محصولات و خدمات بومی و نیروی کار بومی سبب ارتقا و پیشرفت تولیدکنندگان و منابع و اقتصاد محلی می‌شود. این بخش از یافته پژوهش هم با نتایج پژوهش‌های قبلی هم‌راستا است [۶۹،۹۳]. چالش دیگر، «چالش‌های حقوقی و قانونی بر سر مالکیت کسب‌وکارهای پس از زلزله» و مخدوش شدن حدود مالکیت کسب‌وکارهای کوچک بود که گریبان‌گیر بازماندگان از زلزله کرمانشاه شده بود. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین هم‌سوست [۱۹،۳۰،۹۳]. در این راستا در پژوهشی این نتیجه حاصل شد که پس از زلزله بم بازسازی واحدهای تجاری با مسائل حقوقی متعددی از جمله مسائل وراثتی و مقوله‌هایی که مساحت یا عرض واحدهای تجاری را تحت تأثیر قرار می‌دهند، مواجه گشتند [۱۹]. سیدنور و همکاران (۲۰۱۷) هم براین باور بودند که ساختارهای مالکیت، ممکن است در عملیات پس از فاجعه و بازآفرینی کسب‌وکارها، نقش مهمی داشته باشند [۳۰]. «اولویت نداشتن مقوله اشتغال‌زایی پس از بحران»، چالش دیگری است که در پژوهش حاضر شناسایی شد و در پژوهش‌ها و مطالعات پیشین [۱،۱۹،۶۹،۷۰،۹۳] مورد تأیید قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، در پژوهشی این نتیجه حاصل شد که در کشورهای مستعد بلایای طبیعی نظیر ایران، نحوه تداوم فعالیت کسب‌وکارها یکی از مهم‌ترین چالش‌های مرتبط با عملیات بازبایی فاجعه است [۹۳].

در مدل پارادایمی پژوهش، راهبردهای بازآفرینی کسب‌وکارها متأثر از پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای و عوامل مداخله‌گر شکل گرفته است که عبارت است از: مدیریت بازآفرینی کسب‌وکارها، هم‌زمانی بازآفرینی کسب‌وکارها با سایر ابعاد بازسازی، اولویت‌بندی کسب‌وکارها برای بازآفرینی، حمایت و تأمین مالی، حمایت، پشتیبانی و تأمین منابع انسانی، هم‌افزایی و وحدت رویه بین نهادهای متولی بازآفرینی، مدیریت بازار کسب‌وکارها پس از وقوع بحران، ایفای نقش مستقیم دولت در تهیه نیازمندی‌های کسب‌وکارها، بازسازی و بهبود زیرساخت‌ها، تجویز نسخه بومی بازآفرینی، بکارگیری مدیریت بحران اجتماع-محور، سرمایه‌گذاری در مناطق زلزله‌زده، اختصاص مکان موقت جهت تداوم فعالیت کسب‌وکارها، استانداردهای ساختار کالبدی و فیزیکی کسب‌وکارها، ارتقای ضریب نفوذ بیمه، تشکیل بانک اطلاعاتی کسب‌وکارها، مشاوره کسب‌وکار، حل مشکلات ضمانتی، برنامه‌ریزی انگیزشی، و شاخص‌سازی در پرداخت تسهیلات. در نتیجه این راهبردها پیامدهای مثبتی حاصل خواهد

شد که عبارتند از: پیامدهای اقتصادی بازآفرینی کسب و کارها شامل: رونق مجدد کسب و کارها، حفظ بازار و کاهش آسیب به برند کسب و کار، بهره برداری از فرصت، افزایش نرخ اشتغال، و کاهش فقر و محرومیت. افزون بر این پیامدهای اجتماعی و فرهنگی بازآفرینی کسب و کارها شامل: بازیابی و بهبود جامعه آسیب دیده، کاهش آسیب های اجتماعی، تقلیل فشارهای روانی ناشی از سانحه، بهبود سرمایه اجتماعی، حفظ عزت نفس و کرامت انسانی، و کاهش حاشیه نشینی و مهاجرت. همچنین، پیامدهای سیاسی و اداری بازآفرینی کسب و کارها شامل: افزایش مشروعیت حاکمیت، افزایش وحدت و امنیت منطقه ای، کاهش هزینه های دولت در منطقه بحران زده و ایجاد تجربه مدیریتی در حوزه بازآفرینی کسب و کارها هستند. در مجموع، یافته های این پژوهش برای مالکان کسب و کارها و کارآفرینان، مسئولان، دست اندرکاران و متولیان امر بازسازی پس از سانحه و کنش گران بخش های مختلف و سایر سازمان ها و مؤسسات مربوطه در راستای بازآفرینی و تداوم فعالیت کسب و کارهای کوچک مناطق بحران زده و کنترل و تعدیل مشکلات فراروی کسب و کارهای کوچک می تواند راهگشا باشد. تمامی سازمان های دولتی (سدن ها) و سازمان های مردم نهاد (سمن ها)، وزارت خانه ها و بسیاری دیگر از سازمان های متولی می توانند از نتایج این پژوهش در تصمیم گیری ها، فعالیت ها و سیاست گذاری های خود استفاده کنند. چنانچه احیا و بازآفرینی کسب و کارهای آسیب دیده و تخریب شده در مناطق بحران زده صورت پذیرد، مردم مناطق بحران زده در بازسازی سایر ابعاد موفق تر عمل خواهند کرد؛ چرا که تجارب این گونه حوادث طبیعی در ایران نشان داده است که باید زمینه های فراهم شود تا مردم آسیب دیده خودشان در بازسازی، تلاش و مشارکت داشته باشند. با از بین رفتن بازار کسب و کارها، تلاش، حرکت و توسعه و رونق اقتصادی و تجاری از بین خواهد رفت. این امر سبب تشدید معضل بیکاری و پدیده مهاجرفرستی در مناطق زلزله زده خواهد شد. در ادامه بر اساس یافته های پژوهش، پیشنهادهای کاربردی مبتنی بر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق مورد مطالعه جهت رفع موانع و تسریع و تسهیل در روند بازآفرینی کسب و کارهای آسیب دیده و تخریب شده، ارائه شده است. شایان ذکر است، به علت اینکه انجام پژوهش حاضر سه سال به طول انجامید، بنابراین ممکن است نتایج این پژوهش به کسب و کارهای مناطق زلزله زده استان کرمانشاه کمکی نکند. با این حال قصد بر آن بود تا با مطالعه آنچه که بر کسب و کارهای مناطق زلزله زده استان کرمانشاه گذشته است، راهبردهایی برای آینده به دست آوریم. امید است پیشنهاد های یادشده در بازآفرینی کسب و کارهای تخریب شده و آسیب دیده ناشی از وقوع بحران های طبیعی آتی در کشور راهگشا و سازنده باشد.

۱) با توجه به اینکه نظام مدیریت بحران کشور در زلزله کرمانشاه، کارایی و اثربخشی لازم را نداشت، بنابراین پیشنهاد می شود ساختار نظام مدیریت بحران

کشور اصلاح و به سازمانی چابک، مستقل، مقتدر و متمرکز ویژه شرایط بحران تبدیل شود و بلافاصله بعد از بحران های طبیعی در منطقه بحران زده مستقر شده و مدیریت امور را برعهده گرفته و از هر نوع موازی کاری، بخشی نگری و جزیره ای عمل کردن پرهیز کند.

۲) در راستای بهبود و ارتقای سرمایه اجتماعی و تقویت اعتماد عمومی سانحه دیدگان، پیشنهاد می شود متولیان و دست اندرکاران امر بازسازی، از طرح وعده های خارج از ظرفیت و توان خود، حذر کرده و در جهت جلب و تقویت اعتماد سانحه دیدگان گام بردارند.

۳) به متولیان امر بازسازی پیشنهاد می شود رویکرد مدیریت بحران اجتماع محور را در رأس برنامه های خود قرار داده و از سرمایه های انسانی و نیروها و اصناف بومی در روند بازآفرینی استفاده کنند تا هم اقتصاد محلی که به واسطه سانحه دچار تخریب گسترده شده است، رونق گیرد و هم از گسیل نیروهای غیربومی که با رویکردهای و روش های محلی بازآفرینی بیگانه هستند، ممانعت به عمل آید.

۴) به متولیان امر بازآفرینی کسب و کارها، پیشنهاد می شود در تدارک بازار موقتی برای اصناف ضروری و مهم که در ارائه خدمت و تداوم چرخه تأمین کالای مردم، نقش آفرین هستند، مبادرت کنند. چرا که شکل گیری بازار موقت، می تواند تا اندازه ای زندگی در شهرها و روستاهای ویران شده را احیا و بخشی از مشکلات مردم سانحه دیده را برطرف کند.

۵) پس از وقوع زلزله کرمانشاه، به علت مشکلات اقتصادی حاکم بر کشور، اکثر کسب و کارهای آسیب دیده و یا تخریب شده مناطق زلزله زده، قبل از وقوع بحران زلزله بدهی داشتند، بنابراین تقسیط بدهی قبلی آنها، تخصیص کمک های مالی و تسهیلات بلاعوض یا کم بهره و با تنفس بلند مدت به جهت بازآفرینی مجدد کسب و کارها توسط دولت، می تواند راهگشا باشد.

۶) استقرار نظام احراز هویت دقیق املاک و زمین ها، و همچنین وجود بانک اطلاعاتی و داده های کافی که حدود و ثغور کسب و کارها را مشخص کند، می تواند در پرهیز از شکل گیری اختلافات حقوقی، راهگشا باشد. در این راستا استفاده از «طرح کاداستر» جهت پرهیز از اختلافات و دعاوی حقوقی بین مالکان زمین و وراثت کسب و کارها، می تواند راهگشا باشد.

۷) همچنین بر اساس یافته های پژوهش مشخص شد که در روند تخصیص اعتبارات و تسهیلات بازآفرینی به مالکان کسب و کارهای آسیب دیده، بی عدالتی و تبعیض وجود داشته است. در راستای رفع این مشکل آسیب دیدگان، پیشنهاد می شود نظام ارتباطی و اطلاعاتی پشتیبان برای پوشش، انتقال، ذخیره، احراز هویت مالکان کسب و کار و راستی آزمایی تمام اطلاعات کسب و کارها، استقرار یابد تا از این طریق اعتبارات تخصیصی با شفافیت بیشتری توزیع شود.

۸) اختصاص کمک های مالی بلاعوض یا کم بهره با تنفس بلندمدت برای بازآفرینی کسب و کارها توسط دولت و سرمایه گذاران بخش خصوصی، می تواند سازنده باشد.

۱۰۵

ویژه نامه دوم
(بدافند غیر عامل)

دوفصلنامه
علمی و پژوهشی

بهرین

طراحی و تدوین مدل بازآفرینی کسب و کارهای کوچک پس از بحران زلزله کرمانشاه - ایوب پژوهش

۹) همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و نهادهای آموزشی مانند دانشگاه ها و سازمان فنی و حرفه ای در آموزش کوتاه مدت و سریع نیروی کار منطقه به جهت مهارت آموزی و توانمندسازی برای راه اندازی کسب و کارهای کوچک مبتنی بر پتانسیل های منطقه خصوصاً در زمینه مشاغل خانگی، می تواند راهگشا باشد. ۱۰) دعوت از کارآفرینان و سرمایه گذاران خطر پذیر برای سرمایه گذاری در مناطق بحران زده در مرحله بازسازی، توسعه و سازماندهی کسب و کارها می تواند سازنده باشد. ۱۱) موضوع بیمه کسب و کارها هم یکی دیگر از موضوعات مهمی است که در زلزله کرمانشاه ضعف در آن بسیار محرز بود و بسیاری از کسب و کارهای آسیب دیده و تخریب شده فاقد بیمه کسب و کار بودند. بنابراین به مالکان کسب و کارها پیشنهاد می شود به جهت انتقال ریسک، کسب و کار و اموال تجاری خود را بیمه کنند. ۱۲) با عنایت به اینکه اغلب مناطق ایران روی گسل زلزله قرار دارد، به مالکان کسب و کارها پیشنهاد می شود هنگام احداث واحدهای کسب و کار خود، تمهیدات لازم را به جهت رعایت استانداردهای ایمنی ببندیشوند.

۱۳) به جهت تخریب مکان کسب و کار در اثر زلزله، به مالکان کسب و کارهای کوچک پیشنهاد می شود با استفاده از چادر، کانکس و کانتینر و با هدف حفظ مشتریان و استمرار فعالیت، کسب و کار خود را در نزدیکی مکان اولیه راه اندازی کنند.

۱۴) بر اساس یافته های پژوهش حاضر و تجارب وقوع بلایای طبیعی گذشته، صنعت بیمه در کشور دچار ضعف عملکردی بوده و آن چنان که انتظار می رود نقش سازنده خود را در بازآفرینی کسب و کارهای آسیب دیده ایفا نمی کند. بنابراین پیشنهاد می شود یک بازار بیمه ای رقابتی و قابل دسترس با قیمت مناسب که ریسک واقعی زمین لرزه را منعکس کند و بتواند آسیب پذیری اقتصادی جامعه را در برابر زلزله کاهش دهد و عامل کلیدی در ادامه ارائه پوشش های بیمه ای باشد، به وجود آید.

۱۵) به بانک های عامل پیشنهاد می شود، تا حد امکان از بوروکراسی و قوانین دست و پاگیر در پرداخت تسهیلات به مالکان کسب و کارهای آسیب دیده، پرهیز کنند و در فرآیند وصول تسهیلات اختصاصی به صاحبان کسب و کارهای آسیب دیده تسریع ایجاد کنند و به موقع تسهیلات را در اختیار کارآفرینان و مالکان کسب و کارها قرار دهند تا آنها بتوانند سریع تر کسب و کار خود را احیا کنند.

۱۶) بر مشارکت جوامع محلی در کلیه مراحل برنامه ریزی تا اجرا، طبق چارچوب های کاهش خطر بلایا هیوگو (۲۰۰۷) و چارچوب سندای ژاپن (۲۰۱۵-۲۰۳۰) که ایران هم آن را امضاء و تأیید کرده است، تأکید شود.

سهم پژوهش در دانش افزایی

این پژوهش با هدف طراحی و ارائه مدل بازآفرینی کسب و کارهای پس از بحران های طبیعی در ایران، به اجرا درآمد؛ چرا که کمتر پژوهشی به بررسی زوایای مختلف و پیچیده بازآفرینی کسب و کارهای پس از بحران

پرداخته بود. اغلب پژوهش های علمی در حوزه بازسازی پس از بحران های طبیعی از قبیل زلزله و سیل، توجه خود را به سایر ابعاد بازسازی (از جمله بازسازی فیزیکی، کالبدی، فضایی، اجتماعی، و روحی و روانی) معطوف داشته و جای پژوهش های مربوط به سرنوشت کسب و کارهای آسیب دیده و تخریب شده با رویکرد بازآفرینی خالی است. این در حالی است که بازآفرینی کسب و کارها از اهمیت ویژه ای برخوردار است و بعد از بحران بخش بزرگی از آسیب ها مرتبط با عدم بازآفرینی کسب و کارهاست. بنابراین به نظر می رسد تاکنون پژوهشی جامع و نظام مند پیرامون بازآفرینی کسب و کارهای پس بحران در ایران انجام نشده است. از سوی دیگر، اکثر شواهد بر تأثیرات بلایای طبیعی بر روی کسب و کارها به طور کلی و به ویژه کسب و کارهای کوچک از مطالعات انجام شده در سال های اخیر در کشورهای توسعه یافته، به ویژه مطالعات انجام شده در ایالات متحده آمریکا حاصل شده است و شواهد اندکی در مورد بازآفرینی کسب و کارهای پس از بحران در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. افزون بر این پژوهش هایی که در خارج از کشور انجام شده است، کردی از تجارب و شرایط حاکم بر جوامع مزبور هستند؛ بنابراین در این پژوهش سعی شده که روش ها و استراتژی های بازآفرینی کسب و کارها منطبق بر شرایط بومی و محلی حاکم بر مناطق مورد مطالعه ارائه شود و مدل پارادایمی با در نظر گرفتن شرایط بومی مناطق مورد مطالعه توسعه داده شده است. بنابراین اجرای این پژوهش علاوه بر کاهش شکاف نظری در این حوزه، می تواند به بومی سازی دانش بازآفرینی کسب و کارهای پس از بحران های طبیعی و ایجاد تجربه مدیریتی در حوزه بازآفرینی کسب و کارها کمک کند. در نهایت محدودیت های پژوهش عبارت بود از: خلأ نظری و گردآوری ادبیات نظری پژوهش، به علت عدم انجام پژوهش های جامع و نظام مند درباره مسأله بازآفرینی کسب و کارهای پس از بحران های طبیعی در ایران؛ موافقت و جلب نظر مشارکت کنندگان در پژوهش و برخورد قهرآمیز مالکان کسب و کارها و کارآفرینان با پژوهشگر، به علت بدبینی آنها به مسئولان و کارشناسان ارزیابی خسارت، به علت باز دیدهای مکرر و دادن وعده و قول های فراوان و عدم عملی ساختن آنها؛ و ضعف تعمیم پذیری آماری در روش های پژوهش کیفی.

منابع

۱. ارزنگی، سولماز (۱۳۹۰). بررسی روند بازسازی کسب و کارهای کوچک پس از زلزله بم، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه پژوهشی بازسازی پس از سانحه، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.
۲. Corey, C. M., & Deitch, E. A. (۲۰۱۱). Factors affecting business recovery immediately after Hurricane Katrina. *Journal of Contingencies and crisis management*, ۱۶۹-۱۸۱, (۳)۱۹.
۳. Lam, N. S., Pace, K., Campanella, R., LeSage, J., & Arenas, H. (۲۰۰۹). Business return in New Orleans: Decision making amid post-Katrina uncertainty. *PloS one*, ۸(۴).

۱۶. پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله (۱۳۹۶). گزارش زمین‌لرزه ۲۱ آبان ۱۳۹۶ سرپل‌دهاب استان کرمانشاه.

۱۷. اسکاش، حمیدرضا (۱۳۹۶). چالش‌ها و درس‌آموخته‌های زلزله از گله از منظر مدیریت سوانح و بلایا، انتشارات سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران.

۱۸. Asgary, A., Anjum, M. I., & Azimi, N. (۲۰۱۲). Disaster recovery and business continuity after the ۲۰۱۰ flood in Pakistan: Case of small businesses. *International journal of disaster risk reduction*, ۵۶-۴۶, (۱)۲.

۱۹. فلاحی، علیرضا و ارژنگی، سولماز (۱۳۹۳). تداوم کسب‌وکارهای کوچک در طراحی شهری مقاوم پس از زلزله سال ۱۳۸۲ بم، صفه، ۲۴ (۶۵)، ۹۵-۱۱۲.

۲۰. Morrish, S. C., & Jones, R. (۲۰۱۹). Post-disaster business recovery: An entrepreneurial marketing perspective. *Journal of Business Research*.

۲۱. Dahlhamer, J. M., & Tierney, K. J. (۱۹۹۸). Rebounding from disruptive events: business recovery following the Northridge earthquake. *Sociological spectrum*, ۱۴۱-۱۲۱, (۲)۱۸.

۲۲. Tierney, K. J., & Webb, G. R. (۲۰۰۱). Business vulnerability to earthquakes and other disasters. Disaster Research Center, Newark, Delaware.

۲۳. Webb, G. R., Tierney, K. J., & Dahlhamer, J. M. (۱۹۹۹). Businesses and disasters: Empirical patterns of unanswered questions (Preliminary paper no. ۲۸۱). Newark: Disaster Research Center, University of Delaware.

۲۴. Fallahi, A., & Arzhang, S. (۲۰۱۱). Business continuity after the ۲۰۰۳ Bam earthquake in Iran. In *International Conference on Advanced Software Engineering and Its Applications* (pp. ۵۴۰-۵۳۲). Springer, Berlin, Heidelberg.

۲۵. Li, F., Zhou, T., & Wang, L. (۲۰۱۹). Factors associated with continued operation of businesses after an earthquake: A case study from Lushan, China. *Disasters*.

۲۶. Chang, S. E., & Falit-Baiamonte, A. (۲۰۰۲). Disaster vulnerability of businesses in the ۲۰۰۱ Nisqually earthquake. *Global Environmental Change Part B: Environmental Hazards*, (۲)۴, ۷۱-۵۹.

۲۷. Tierney, K. J. (۱۹۹۵). Impacts of recent US disasters on businesses: The ۱۹۹۳ Midwest floods and the ۱۹۹۴ Northridge Earthquake (Preliminary Paper No. ۲۳۰). Retrieved from University of Delaware Disaster Research Center website: <http://udspace.udel.edu/handle/۶۳۸/۱۹۷۱۶>.

۴. Webb, G. R., Tierney, K. J., & Dahlhamer, J. M. (۲۰۰۲). Predicting long-term business recovery from disaster: A comparison of the Loma Prieta earthquake and Hurricane Andrew. *Global Environmental Change Part B: Environmental Hazards*, ۵۸-۴۵, (۲)۴.

۵. Xiao, Y., & Van Zandt, S. (۲۰۱۲). Building community resiliency: Spatial links between household and business post-disaster return. *Urban Studies*, ۲۵۴۲-۲۵۲۳, (۱۱)۴۹.

۶. Orhan, E. (۲۰۱۴). The role of lifeline losses in business continuity in the case of Adapazari, Turkey. *Environmental Hazards*, ۳۱۲-۲۹۸, (۴)۱۳.

۷. Miles, S. B., & Chang, S. E. (۲۰۰۶). Modeling community recovery from earthquakes. *Earthquake Spectra*, ۴۵۸-۴۳۹, (۲)۲۲.

۸. Xiao, Y., & Peacock, W. G. (۲۰۱۴). Do hazard mitigation and preparedness reduce physical damage to businesses in disasters? Critical role of business disaster planning. *Natural Hazards Review*, ۰۴۰۱۴۰۰۷, (۳)۱۵.

۹. Zolin, R., & Kropp, F. (۲۰۰۷). How surviving businesses respond during and after a major disaster. *Journal of Business Continuity & Emergency Planning*, ۱۹۹-۱۸۳, (۲)۱۱.

۱۰. Snedaker, S. and C. Rima (۲۰۱۴) Business continuity and disaster recovery overview. In: *Business Continuity and Disaster Recovery Planning for IT Professionals*. Syngress, Boston. ۲۸-۱.

۱۱. Watters, J., & Watters, J. (۲۰۱۴). Disaster Recovery, Crisis Response, and Business Continuity: A Management Desk Reference. Apress.

۱۲. Cremen, G., Seville, E., & Baker, J. W. (۲۰۲۰). Modeling post-earthquake business recovery time: An analytical framework. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, ۱۰۱۳۲۸, ۴۲.

۱۳. عزمی، آئیژ؛ معصوم پور، جعفر؛ شاه‌مرادی، علی (۱۳۹۵). بررسی نقش مردم بومی در درک مخاطرات طبیعی و آمادگی در برابر آنها در سطح دهستان زالوآب بخش مرکزی شهرستان روانسر-استان کرمانشاه. دانش‌پیشگیری و مدیریت بحران، ۶ (۴)، ۳۸۲-۳۹۱.

۱۴. امینی، الهام (۱۳۸۴). تبیین مفهوم بافت شهری و نقش آن در کاهش خطرات ناشی از زلزله، خلاصه مقالات کنفرانس بین‌المللی مخاطرات زمین، بلایای طبیعی و راهکارهای مقابله با آن، تبریز، دانشگاه تبریز.

۱۵. دوستی، افسانه؛ محتاط، نیلوفر و اسدیان زرگر، نعیمه (۱۳۹۴). برنامه بازتوانی کالبدی زلزله احتمالی استان تهران و البرز با رویکرد کاهش آسیب‌پذیری در مناطق شهری، دانش‌پیشگیری و مدیریت بحران، ۵ (۳)، ۲۲۰-۲۱۰.

۳۷. Zhang, Y., Lindell, M. K., & Prater, C. S. (۲۰۰۹). Vulnerability of community businesses to environmental disasters. *Disasters*, ۳۳(۱), ۳۳-۵۷.
۳۸. FEMA (۲۰۱۶). Federal Reserve Management Agency. ۴ Ways to Restore Your Business after a Natural Disaster, <http://www.constructionworld.org>.
۳۹. Lee, J. (۲۰۱۹). Reopening Businesses after Hurricane Harvey: Evidence from a Duration Model with Spatial Effects. *Disasters*.
۴۰. Powell, F., & Harding, A. (۲۰۰۹, December). Business recovery and the rebuilding of commercial property. In Proceedings of Shaken Up a workshop on recovery following the Gisbourne Earthquake. Wellington: Opus (pp. ۵۹-۳۸).
۴۱. Runyan, R. C. (۲۰۰۶). Small business in the face of crisis: identifying barriers to recovery from a natural disaster. *Journal of Contingencies and crisis management*, ۱۴(۱), ۲۶-۱۲.
۴۲. Dahlhamer, J. M., & D'Souza, M. J. (۱۹۹۵). Determinants of business disaster preparedness in two US metropolitan areas.
۴۳. Dahlhamer, J. M., & Reshaur, L. (۱۹۹۶). Businesses and the ۱۹۹۴ Northridge earthquake: An analysis of pre-and post-disaster preparedness.
۴۴. Tierney, K. J. (۱۹۹۷). Business impacts of the Northridge earthquake. *Journal of Contingencies and crisis management*, ۱۰(۲), ۵۹۷.
۴۵. Nigg, J. M. (۱۹۹۵). Business disruption due to earthquake-induced lifeline interruption.
۴۶. Rose, A., & Lim, D. (۲۰۰۲). Business interruption losses from natural hazards: conceptual and methodological issues in the case of the Northridge earthquake. *Global Environmental Change Part B: Environmental Hazards*, ۱۴(۱), ۱-۴.
۴۷. Tierney, K. J. (۱۹۹۳). Business vulnerability and disruption: Data from the ۱۹۹۳ Midwest floods.
۴۸. Kleindorfer, P. R., Singhal, K., & Van Wassenhove, L. N. (۲۰۰۵). Sustainable operations management. *Production and operations management*, ۱۴(۴), ۴۸۲-۴۹۲.
۴۹. Guidry, P. E., Vaughn, D., Anderson, R. P., & Flores, J. (۲۰۱۵). Business continuity and disaster management: Mitigating the socioeconomic impacts of facility downtime after a disaster. *IEEE Industry Applications Magazine*, ۲۱(۵), ۶۸-۷۷.
۵۰. Dietch, E. A., & Corey, C. M. (۲۰۱۱). Predicting long-term business recovery four years after Hurricane Katrina. *Management Research Review*, ۳۴(۳), ۳۱۱-۳۲۴.
۵۱. Sydnor, S., Niehm, L., Lee, Y., Marshall, M., & Schrank, H. (۲۰۱۷). Analysis of post-disaster damage and disruptive impacts on the operating status of small businesses after Hurricane Katrina. *Natural Hazards*, ۸۵(۳), ۱۶۳۷-۱۶۶۳.
۵۲. Nakatani, N., Murao, O., Meguro, K., & Terumoto, K. (۲۰۱۶). Business Recovery Conditions of Private Enterprises after the ۲۰۱۱ Great East Japan Earthquake and Issues on Business Continuity Measures for Large-Scale Disaster Management—A Case Study of Small and Medium-Sized Enterprises in Miyagi—. *IEICE TRANSACTIONS on Fundamentals of Electronics, Communications and Computer Sciences*, ۹۹(۸), ۱۵۳۹-۱۵۵۵.
۵۳. Alesch, D.J. (۲۰۰۳). Complex urban systems and extreme events: toward a theory of disaster recovery. Public Entity Risk Institute, Fairfax, VA.
۵۴. Alesch, D. J., Holly, J. N., Mittler, E., & Nagy, R. (۲۰۰۱). Organizations at risk: What happens when small businesses and not-for-profits encounter natural disasters?
۵۵. Alesch, D.J., Taylor, C., Ghanty, A. S., Nagy, R. A., & US Central United States Earthquake Consortium. (۱۹۹۳, May). Earthquake risk reduction and small business. In < ۱۹۹۳ mil novecientos noventa y tres > National Earthquake Conference: Earthquake Hazard Reduction in the Central and Eastern United States: A Time for Examination and Action (pp. ۱۳۳-۶۰). US Central United States Earthquake Consortium (CUSEC).
۵۶. Marshall, M. I., & Schrank, H. L. (۲۰۱۴). Small business disaster recovery: a research framework. *Natural Hazards*, ۷۲(۲), ۵۹۷-۶۱۶.
۵۷. Webb, G. R., Tierney, K. J., & Dahlhamer, J. M. (۲۰۰۰). Businesses and disasters: Empirical patterns and unanswered questions. *Natural Hazards Review*, ۲(۲), ۸۳-۹۰.

evaluation of the Exxon Valdez oil spill. *Land Economics*, ۸۲-۶۵, (۱) ۷۱.

۶۴. Cohen, M. J. (۱۹۹۳). Economic impact of an environmental accident: A time-series analysis of the Exxon Valdez oil spill in southcentral Alaska. *Sociological Spectrum*, ۶۳-۳۵, (۱) ۱۳.

۶۵. Friesma, H. P., Caporaso, J., Goldstein, G., Lineberry, R., & McCleary, R. (۱۹۷۹). *Aftermath: Communities after natural disasters*. Beverly Hills, Calif.: Sage Publications.

۶۶. Rossi, P. H., Wright, J. D., Wright, S. R., & Weberburdin, E. (۱۹۷۸). Are There Long-Term Effects of American Natural Disasters? Estimations of Effects of Floods, Hurricanes, and Tornadoes Occurring ۱۹۶۰ to ۱۹۷۰ on United States Counties and Census Tracts in ۱۹۷۰. *Mass Emergencies*, ۱۳۲-۱۱۷, (۳-۲) ۳.

۶۷. West, C. T., & Lenze, D. G. (۱۹۹۴). Modeling the regional impact of natural disaster and recovery: A general framework and an application to Hurricane Andrew. *International regional science review*, ۱۵۰-۱۲۱, (۲) ۱۷.

۶۸. Jones, B. G., & Chang, S. E. (۱۹۹۵). Economic aspects of urban vulnerability and disaster mitigation. In *Urban disaster mitigation: The role of engineering and technology* (pp. ۳۱۱-۳۲۰). Pergamon.

۶۹. بینش، نگین و امیدوار، بابک (۱۳۹۴). بازتوانی اقتصادی پس از سانحه (مطالعه موردی: روستاهای زلزله‌زده استان لرستان)، راه و ساختمان، شماره های ۱۰۶ و ۱۰۷، ۵۲-۶۷.

۷۰. ایرانمنش، محمد (۱۳۹۶). الگویی نو در کمک‌رسانی های انسان دوستانه؛ اولویت اشتغال‌زایی در کمک‌رسانی های پس از حادثه (بر اساس تجارب زلزله‌های بم و قره‌داغ آذربایجان شرقی)، تهران: انتشارات صمدیه، چاپ اول.

۷۱. Asgary, A., & Naini, A. S. (۲۰۱۱). Modelling the adaptation of business continuity planning by businesses using neural networks. *Intelligent Systems in Accounting, Finance and Management*, ۱۰۴-۸۹, (۳-۲) ۱۸.

۷۲. Mehregan, N., Asgary, A., & Rezaei, R. (۲۰۱۲). Effects of the Bam earthquake on employment: a shift-share analysis. *Disasters*, ۴۳۸-۴۲۰, (۳) ۳۶.

۷۳. Asgary, A., Azimi, N., & Anjum, M. I. (۲۰۱۳). Measuring small businesses disaster resiliency: case of small businesses impacted by the ۲۰۱۰ flood in Pakistan. *International Journal of Business Continuity and Risk Management*, ۱۸۷-۱۷۰, (۲) ۴.

۵۱. Hagelman, R. R., Connolly, M. H., Zavar, E. M., & Dahal, K. R. (۲۰۱۲). Disaster reconstruction and business geography following the ۲۰۰۷ Greensburg, Kansas Tornado. *Environmental Hazards*, ۳۰۲-۲۸۳, (۴) ۱۱.

۵۲. Rose, A., & Krausmann, E. (۲۰۱۳). An economic framework for the development of a resilience index for business recovery. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, ۸۳-۷۳, ۵.

۵۳. Wasileski, G., Rodríguez, H., & Diaz, W. (۲۰۱۱). Business closure and relocation: a comparative analysis of the Loma Prieta earthquake and Hurricane Andrew. *Disasters*, ۱۲۹-۱۰۲, (۱) ۳۵.

۵۴. Bolin, R. C. (۱۹۸۲). Long-term family recovery from disaster. In *Long-term family recovery from disaster*. US University of Colorado. Institute of Behavioral Science.

۵۵. Bolin, R. C., & Bolton, P. A. (۱۹۸۶). Race, religion, and ethnicity in disaster recovery.

۵۶. Miller, K. S., & Nigg, J. M. (۱۹۹۴). Event and consequence vulnerability: effects on the disaster recovery process. *Disaster Research Center*.

۵۷. Belasen, A. R., & Polachek, S. W. (۲۰۰۹). How disasters affect local labor markets the effects of hurricanes in Florida. *Journal of Human Resources*, ۲۷۶-۲۵۱, (۱) ۴۴.

۵۸. Belasen, A. R., & Polachek, S. W. (۲۰۰۸). How hurricanes affect wages and employment in local labor markets. *American Economic Review*, ۵۳-۴۹, (۲) ۹۸.

۵۹. Ewing, B. T., Kruse, J. B., & Thompson, M. A. (۲۰۰۳). A comparison of employment growth and stability before and after the Fort Worth tornado. *Global Environmental Change Part B: Environmental Hazards*, ۹۱-۸۳, (۲) ۵.

۶۰. Vigdor, J. (۲۰۰۸). The economic aftermath of Hurricane Katrina. *Journal of Economic Perspectives*, ۵۴-۱۳۵, (۴) ۲۲.

۶۱. Xiao, Y., & Feser, E. (۲۰۱۴). The unemployment impact of the ۱۹۹۳ US Midwest flood: a quasi-experimental structural break point analysis. *Environmental Hazards*, (۲) ۱۳ ۱۱۳-۹۳.

۶۲. Albala-Bertrand, J. M. (۱۹۹۳). *Political economy of large natural disasters: with special reference to developing countries*. OUP Catalogue.

۶۳. Cohen, M. J. (۱۹۹۵). *Technological disasters and natural resource damage assessment: an*

۸۵. Roll-Hansen, N. (۲۰۰۹). Why the distinction between basic (theoretical) and applied (practical) research is important in the politics of science. London School of Economics and Political Science, Contingency and Dissent in Science Project.

۸۶. ولی پور، ایمان (۱۳۹۶). نگاهی به اثرات اقتصادی زلزله به بهانه زمین‌لرزه ۷.۳ ریشتری کرمانشاه / بعد از زلزله. فرصت امروز، قابل دسترس در تارنمای: <http://forsatnet.ir/news/۹۱۳-۶۱.html>

۸۷. ربیعی، علی و پورحسینی، سمیراالسادات (۱۳۹۲). مدیریت بحران و ریسک، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول.

۸۸. قمبرعلی، رضوان؛ آگهی، حسین؛ علی بیگی، امیرحسین و زرافشانی، کیومرث (۱۳۹۵). ارزیابی فرهنگ کارآفرینی و عوامل مؤثر بر شکست کارآفرینان کشاورزی در شهرستان کرمانشاه، پژوهش‌های روستایی، ۷ (۲)، ۳۶۲-۳۷۳.

۸۹. نادری، نادر؛ خوش مرام، مژگان؛ شیر، نعمت اله و فتاحی، شهناز (۱۳۹۶). تحلیل وضعیت فرهنگ کارآفرینی در شهرستان کرمانشاه. کارآفرینی در کشاورزی، ۴ (۴)، ۲۱-۳۶.

۹۰. نادری، نادر؛ رستمی، رضا و پژوهان، ایوب (۱۳۹۷). تحلیل شاخص‌های محیط کسب‌وکار استان کرمانشاه در چارچوب راهبردهای اقتصاد مقاومتی، همایش ملی توسعه پایدار استان کرمانشاه.

۹۱. احمدی، وکیل (۱۳۹۷). بررسی موانع اجتماعی توسعه اقتصادی استان کرمانشاه، طرح پژوهشی، کارفرما: استانداری کرمانشاه.

۹۲. Aldrich, D. P. (۲۰۱۱). The power of people: social capital's role in recovery from the ۱۹۹۵ Kobe earthquake. Natural hazards, ۵۹ (۳), ۵۹۵-۶۱۱.

۹۳. Fallahi, A., Arzhangi, S. (۲۰۱۲). Historical Bazaar Recovery after the ۲۰۰۳ Bam Earthquake, International Journal of Disaster Recovery and Business Continuity, ۳, ۱۳-۲۰.

۹۴. مهدوی شهری، زهرالسادات؛ کریمی، عباس و توکلی گلپایگانی (۱۳۹۲). بررسی و تحلیل دومین شاخص تسهیل فضای کسب‌وکار ایران بر اساس گزارش‌های بانک جهانی (۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳)، مهارت آموزی، ۱ (۴)، ۴۱-۵۵.

۹۵. فلاح حقیقی، نگین؛ ارمغان، نگار و بیژنی، مسعود (۱۳۹۶). واکاوی آسیب‌های فضای کسب‌وکار در استان یزد، مدیریت توسعه فناوری، ۵ (۴)، ۱۴۳-۱۶۷.

۷۴. Sarmiento, J. P., Hoberman, G., Ilcheva, M., Asgary, A., Majano, A. M., Poggione, S., & Duran, L. R. (۲۰۱۵). Private sector and disaster risk reduction: The cases of Bogota, Miami, Kingston, San Jose, Santiago, and Vancouver. International Journal of Disaster Risk Reduction, ۲۳۷-۲۲۵, ۱۴.

۷۵. Kemp, H. (۲۰۱۷). The Survival of Small Businesses in Northeastern Florida After a Natural Disaster, PhD Thesis in Business Administration, Walden University, College of Management and Technology.

۷۶. Ihsan Özdemir, A., Hafezi, H., Asgary, A. (۲۰۱۷). Factors affecting small business disaster recovery: ۲۰۱۳ Calgary flood case, Journal SYLWAN, ۶۵-۴۰, ۱۶۱.

۷۷. Orhan, E. (۲۰۱۷). Factors affecting post-disaster location choices of businesses: an analysis of the ۱۹۹۹ earthquake. Environmental Hazards, ۳۸۲-۳۶۳, (۴)۱۶.

۷۸. Lee, J. (۲۰۱۹). Business recovery from Hurricane Harvey. International journal of disaster risk reduction, ۳۱۵-۳۰۵, ۳۴.

۷۹. لطف آبادی، حسین؛ نوروزی، وحیده و حسینی، نرگس (۱۳۸۶). بررسی آموزش روش‌شناسی پژوهش در روان‌شناسی و علوم تربیتی در ایران، نوآوری‌های آموزشی، ۶ (۲۱)، ۱۰۹-۱۴۰.

۸۰. Salehi, K., & Golafshani, N. (۲۰۱۰). Commentary: Using Mixed Methods in Research Studies-an Opportunity with Its Challenges. International Journal of Multiple Research Approaches, ۱۸۶, (۳)۴.

۸۱. نوری، علی و مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۰). الگویی برای به‌کارگیری نظریه برخاسته از داده‌ها در عمل. مطالعات برنامه‌درسی، انجمن مطالعات برنامه‌درسی.

۸۲. Strauss, A., & Corbin, J. (۱۹۹۰). Basics of grounded theory methods. Beverly Hills: Sage.

۸۳. Lincoln, Y. S., Guba, E. G. (۱۹۸۵). Naturalistic Inquiry. Thousand Oaks, CA: SAGE Publication.

۸۴. Short, J. C., Broberg, J. C., Coglisier, C. C., & Brigham, K. H. (۲۰۱۰). Construct validation using computer-aided text analysis (CATA) an illustration using entrepreneurial orientation. Organizational Research Methods, ۱۳ (۲), ۳۲۰-۳۴۷.